



مسئولیت مدنی ناشی از نقض قراردادهای ورزشی در حقوق ایران و انگلستان با نگاهی بر فقه اسلامی

عبداله دولاح^۱، مهدی فیروزآبادیان^{۲*}، غلامرضا یزدانی^۳

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

^۳ استادیار، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

چکیده

هدف از این تحقیق، مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از نقض قراردادهای ورزشی در حقوق ایران و انگلستان با نگاهی بر فقه اسلامی می‌باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و برگرفته از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. در پاسخ به این سوال که مسئولیت مدنی ناشی از نقض قراردادهای ورزشی در حقوق ایران و انگلیس با رویکردی به فقه اسلامی چیست؟ مشخص شد که ورزشکاران در باشگاه‌های ورزشی مانند سایر اشخاص حقوقی دارای حقوق و تکالیفی بوده که عدم انجام این حقوق و تکالیف-اعم از قراردادی یا قانونی-ممکن است حسب مورد موجب مسئولیت مدنی یا انتظامی باشگاه‌ها گردد. رابطه حقوقی باشگاه‌های ورزشی با ورزشکاران و مربیان مربوطه مبتنی بر رابطه کارگری و کارفرمایی می‌باشد و جز در موارد خاص مثل آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های فدراسیون‌های مربوطه تابع قانون کار می‌باشد. باشگاه‌ها در رابطه با خسارات وارده از ناحیه ورزشکاران و مربیان مربوطه نسبت به اشخاص ثالث از جمله ورزشکاران و تماشاگران حریف مسئولیت نیابتی دارند. مبنای مسئولیت مدنی باشگاه‌های ورزشی در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی و کشورهای اروپایی مبتنی بر فرض تقصیر می‌باشد. مهم‌ترین وظیفه باشگاه‌های ورزشی رعایت تعهدات ایمنی باشگاه می‌باشد که عدم رعایت آن منجر به مسئولیت مدنی و یا انتظامی باشگاه مربوطه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مدنی، مسئولیت انتظامی، باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی، حقوق ایران و انگلستان، فرض تقصیر



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

اصولاً ورزش از دیرباز به عنوان پدیده‌ای که هم باعث تندرستی و سلامتی جسم و هم باعث سلامتی روح و روان انسان می‌گردد در بین جوامع بین‌المللی شناخته می‌شده است. بشر از آغاز آفرینش برای ماندن و زیستن نیاز به جنبش ماهیچه‌های خویش داشته و تا فرجام زندگی ورزش هم سفر او خواهد ماند (خدابخشی، ۱۳۹۰: ۲۲). در دین اسلام هم آیات و روایاتی در خصوص ورزش در بین انسان‌های بشری وجود دارد که نمایانگر دیدگاه روشن شریعت در خصوص امر ورزش و تندرستی است (تقوی دامغانی، ۱۳۸۳: ۱۳). با پیدایش المپیک در حدود یکصد و اندی سال پیش ورزش چهره‌ای بین‌المللی پیدا کرد به طوری که صرف سلامتی و تندرستی برای انجام ورزش دیگر به عنوان تنها هدف ورزش مورد توجه نبود بلکه حضور در صحنه‌های بین‌المللی و کسب افتخار در این زمینه به عنوان اصلی‌ترین اهداف کشورهای شرکت‌کننده در این رقابت‌ها که بعدها تبدیل به مهمترین رقابت‌های بین‌المللی در سطح کره خاکی تبدیل شد، واقع گردید، به طوری که کشورهایی که با هم مشکل و درگیری - چه در سطح نظامی و چه در سطوح دیگر - داشتند با کسب افتخار در این رقابت‌ها و به ویژه در بازی‌های رودرو تا مدت‌ها به کرکری خواندن برای بازنده می‌پرداختند و به تبع آن مردم دو کشور نیز چنان حساسیتی را در این زمینه از خود نشان می‌دادند که حتی در برخی موارد خود این امر منجر به کشمکش و درگیری بین دولت‌ها و تماشاگران دو کشور می‌گردید. کشورها معمولاً با تشکیل کمیته ملی المپیک به برنامه‌سازی برای حضور موفق در این رقابت‌ها می‌پردازند (مونتجوی و ورهاگن^۱، ۲۰۲۲: ۲۱۱).

ورزش در ابتدا در سطح آماتور قرار داشت بدین معنا که ورزشکاران بیشتر به عنوان یک وسیله تفریح و سرگرمی که باعث سلامتی و تندرستی جسم و روان آنها می‌شد به آن نگاه می‌کردند اما بعدها با حرفه‌ای شدن ورزش، جهان با اصطلاح ورزش حرفه‌ای آشنا گردید و دیگر ورزش در سطح آماتور به فعالیت نمی‌پرداخت و رقابت‌های ورزشی در کشورها هم عنوان حرفه‌ای را یدک می‌کشید. با حرفه‌ای شدن ورزشکار، قراردادهای ورزشی نیز حرفه‌ای گردید بدین معنا که ورزش به عنوان یک شغل و حتی صنعت پولساز مورد توجه دست‌اندرکاران آن قرار گرفت و ورزشکار و یا مربی با یدک کشیدن عنوان حرفه‌ای، دیگر شغل حرفه‌ای او، ورزش تلقی می‌گردید و ایشان باید فکر و ذکرشان را برخلاف ورزش آماتوری به ورزش و موقعیت در آن معطوف می‌کردند (مادهوشانی و پیرا^۲، ۲۰۲۳: ۳۶۱). با حرفه‌ای شدن ورزش و تبدیل آن به یکی از صنایع پولساز، کسب موفقیت برای تیم‌ها و با شگاه‌های ورزشی به عنوان هدف نهایی مورد تأکید و توجه قرار گرفت زیرا با کسب موفقیت، سود و منفعت مالی بیشتری نصیب این با شگاه‌ها می‌گردید به طوری که حتی برای مثال با شگاه فوتبال بارسلونای اسپانیا در سال ۲۰۰۸ میلادی به دلیل کسب موفقیت در چهار جام - لیگ حرفه‌ای فوتبال اسپانیا (لالیگا) - و جام پادشاهی این کشور و نیز لیگ قهرمانان اروپا و نیز قهرمانی در رقابت‌های سوپر جام جهان که با شرکت قهرمانان قاره‌های مختلف دنیا انجام می‌گیرد حدود ۳/۵ میلیارد یورو، سود خالص را نصیب این با شگاه گردانید (لوویس^۳ و همکاران، ۲۰۲۳: ۲۹). با پیشرفت ورزش و حرفه‌ای گردیدن آن حقوق ورزشی مورد توجه قرار گرفت که به بررسی حقوقی حوادث در ورزش می‌پردازد. موضوع حقوق ورزشی تمامی تخلفاتی است که در عرصه ورزش واقع و به نحوی به حقوق دیگران لطمه وارد می‌آورد را در نظام‌های حقوقی مختلف از جمله نظام حقوقی ایران، انگلیس و فقه اسلامی بررسی قرار داده است، کما اینکه در مکتب اسلام نیز انجام فعالیت‌های ورزشی و پرورش روح و جسم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. آیات و روایات متعددی در اسلام راجع به ورزش و وجوب آن وجود دارد که نمایانگر دیدگاه روشن شریعت در خصوص مورد است و به موازات این منابع، فقها (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۷: ۱۸۹؛ محقق حلی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۰۲۲؛ نجفی، ۱۴۱۳: ج ۱۵: ۲۹۹) در باب مسئولیت‌های حقوقی ناشی از حوادث ورزشی نظارت پرمحتوا و مطمئناً را مطرح کردند پس می‌توان بیان کرد که ضمان ناشی از عملیات ورزشی و تعلیم ورزش

۱- Mountjoy & Verhagen

۲- Madhushani & Perara

۳- Lewis

در فقه سابقه طولانی دارد (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸-۱۰۷). از جمله فقهای متقدم که در باب حقوق ورزشی نظراتی ابراز داشته اند؛ ابن قدامه در المغنی، شیخ طوسی در مبسوط، محقق حلی در شرایع الاسلام، علامه حلی در قواعد الاحکام و شیخ محمدحسن نجفی در جواهرالکلام هستند. البته با توجه به محدودیت رشته های ورزشی در گذشته که منحصر به تیراندازی، شنا، اسب دوانی بوده فتاوی نیز از نظر کمی محدود است ولی به لحاظ کیفی قابل استناد در اغلب رشته های ورزشی است. وجود چنین منابعی در حقوق اسلام ضمن این که قدمت موضوع رامشخص می نماید به اهمیت ورزشی و حوادث آن نیز اشاره دارد (منتظری نجف آبادی، ۱۳۹۰: ص ۱۳) ما در این کار تحقیقی این مسئولیت ها را مورد بررسی قرار می دهیم که مثلاً آیا اصولاً با شگاه ها و مؤسسات ورزشی مربوطه در خصوص حوادث ورزشی مسئولیت دارند یا خیر؟ اگر مسئولیت دارند مبنای مسئولیت آنها چیست؟ و اینکه آیا در جایی که ورزشکار و یا مربی و یا کارکنان آن مثل پزشک و کارکنان دیگر با شگاه با شگاه قرارداد دارند آیا اصولاً مسئولیت قراردادی هم به وجود می آید یا خیر؟ آیا امکان تو سل زیان دیده هم به م مسئولیت های قراردادی و هم مدنی با شگاه وجود دارد یا خیر؟ م مسئولیت با شگاه ها و مؤسسات ورزشی مربوطه نسبت به تما شاگران - اعم از تما شاگرانی که پول می دهند و بلیت خریداری می کنند و تما شاگرانی که به رایگان وارد می شوند چیست؟ در این تحقیق به این سؤالات پاسخ می دهیم.

روش اتخاذی در این مقاله توصیفی و تحلیلی است که نگارنده ابتدا به بررسی مباحث مسئولیت در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس پرداخته و در نهایت نتیجه آن را با مباحث و منابع فقه در حوزه ورزشی تطبیق می دهد و سپس را رویکرد تشریح مسله به روش استقرایی آن را مورد تحلیل روشکرانه و منطقی خود قرار داده است در این راستا محقق با استفاده از منابع کتابخانه ای، اینترنتی، مقالات علمی و پژوهشی و استفاده از کتب ترجمه شده انگلیسی به فارسی به پاسخگویی سئوال اصلی و فرعی خود پرداخته است که در نهایت مسئولیت مدنی ناشی از نقض قراردادهای ورزشی در حقوق ایران و انگلستان و فقه اسلامی را بیان کرده باشد.

۲. ادبیات تحقیق

در حقوق ایران مسئولیت در زبان فارسی به معنای ضمانت، تعهد و مؤاخذه است (دهخدا، ۱۳۷۷: کلمه مسئولیت) و مسئولیت به معنی فاعلی با کلماتی چون گردن گرفتن و عهده دار شدن، موظف بودن و ملتزم و پای بند بودن مترادف است و به معنای مفعولی با کلماتی چون به گردن او، بر عهده او در ضمان او به یک معنی است (دهخدا، ۱۳۷۷: کلمه مسئولیت). به نظر می رسد مسئولیت ترجمه کاملی از کلمه ی عربی ضمان نیست و مسئولیت به لحاظ ماده و مفهوم پرسش که در آن نهفته است و بیشتر به معنی مؤاخذه می باشد از آثار ضمان می باشد. وقتی کسی نسبت به مال یا شخص یا شیئی معینی ضامن و متعهد شد ناگزیر نسبت به آن مورد پرسش واقع گرفته و احیاناً بر آن مؤاخذه هم می شود ولی این اثر، امری خارج از ماهیت تعهد و التزام می باشد. تعبیر التزام به جای ضمان نوعی پیروی از اصطلاح مشابه در زبان حقوقی فرانسه^۱ می باشد. اما در حقوق ایران در هر مورد که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است، می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است (کاتوزیان، ۱۴۰۱: ۵) به بیان دیگر، مسئولیت مدنی مسئولیتی است در مقام خسارتی که شخص (یا کسی که تحت مراقبت یا اداره شخص است) یا اشیاء تحت حراست وی به دیگری وارد می کند و همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد.

در منابع فقهی بیان شده است که مسئولیت مدنی با عنوان «ضمان (قهری)» (که در مقابل ضمان قراردادی و ضمان عقدی قرار دارد) شناخته می شود (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۳۷: ۴۶؛ حلی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۷۴)؛ از این رو، برای بررسی مفهوم و مبنای مسئولیت مدنی در فقه امامیه، باید به سراغ قواعد مرتبط با ضمان رفت تا بتوان نقش فقهای شیعه در شکل گیری و تبیین مبنای مسئولیت مدنی را مورد بررسی قرار داد. قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی، در فقه امامیه، موضوعی اصیل است که از سوی فقها مورد تحلیل و بررسی و مذاقه قرار گرفته است؛ به گونه ای که بسیاری از ظرایف و دقت نظرهای فقها در تبیین و تشریح اصول و قواعد مسئولیت مدنی در حقوق غربی،

بی‌نظیر و یا کم‌نظیر است. در مجموع می‌توان بر این عقیده بود که نظام مسئولیت مدنی در فقه امامیه با تکیه بر قواعد فقهی هم‌چون اتلاف و تسبیب، لاضرر، غرور، اقدام و احسان یک نظام پیشرفته و جامع است که شکل‌گیری این نظام مرهون تلاش‌ها و دقت نظر فقهای امامیه در طول قرون متمادی بوده است. از سوی دیگر، دقت نظر و فهم فقهای امامیه از موضوع مسئولیت مدنی، حکایت از این دارد که چرایی و مبنای مسئولیت مدنی در این نظام، مبتنی بر نظریه‌ای است که در دیگر نظام‌های حقوقی بدان توجه نشده است. فقهای امامیه (طوسی، ۱۳۸۷ ه.ق، ج ۷: ۱۸۹؛ محقق حلی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۰۲۲؛ نجفی، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۲۹۹) در تعلیل مسئولیت مدنی، به «قابلیت استناد عرفی زیان به عامل زیان» توجه کرده‌اند که پذیرش این نظریه به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی از وجوه تمایز و اختصاصات فقه امامیه است؛ نظریه‌ای که از بسیاری جهات مصون از ایراداتی است که بر نظریات غربی تقصیر و خطر و... وارد شده و می‌تواند به‌عنوان نظریه‌ای جامع در فقه و حقوق اسلامی کانون توجه قرار گیرد.

در فقه بحث مستقلی تحت عنوان مسئولیت قراردادی وجود ندارد. اساساً آنچه مورد توجه فقها است، ضمان ناشی از فعل یا ترك فعل است که موجب ورود خسارت به دیگری می‌گردد که ذیل مباحث و اتلاف و تسبیب به آن پرداخته شده و در واقع به عنوان تشکیل دهنده مبانی مسئولیت در فقه قابل طرح است.

در فقه امامیه ضمان قهری به ضمان قراردادی اصالت دارد. افزون بر این می‌توان ادعا کرد، تنظیم روابط مالی الزامی، در فقه امامیه تا اندازه زیادی بر مفهوم ضمان مبتنی است. اصالت ضمان قهری و تاثیر آن در حوزه قراردادها را می‌توان در چندین موضع گوناگون مشاهده کرد. عقد را می‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که فی نفسه متضمن ضمان قهری باشد. عقد از اسباب ضمان قهری به شمار آمده است. بدین معنا که را تحقق عقد، هر یک از طرفین ضامن مال دیگری است (نعمت الهی، ۱۳۹۵).

در حقوق کامن لا، مسئولیت مدنی با عنوان Tort بر رسی می‌شود. این از کلمه لاتین Tortus که به معنای کج و منحرف است، گرفته شده. در حقوق خارجی (Tort) یک شیوه‌ی جبران‌کننده برای خطاها و خساراتی است که قابلیت جبران در محاکم حقوقی و مدنی را دارا می‌باشد در این رابطه، دعوای معمولی اقامه دعوا برای خسارت است برای مثال اقامه دعوا برای غرامت پولی. اما در جانی که خسارت مناسبت نباشد شیوه‌ی جبران مبتنی بر قواعد انصاف، ممکن است حکم فرما گردد (بریتبارت^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۳). نخستین رساله‌ای منتشر شده در حقوق کامن لا، متعلق به نویسنده‌ای آمریکایی به نام هیلارد^۲ است که در سال ۱۸۵۹ به چاپ رسید (بادینی، ۱۴۰۰: ۳۶) در این نظام حقوقی، مسئولیت مدنی بر مبنای تعریفی که وینفیلد^۳ (۱۸۷۸-۱۹۵۸) از مسئولیت مدنی ارائه کرده است، مورد توجه قرار می‌گیرد (والری^۴، ۲۰۱۹: ۱۲۹). در این تعریف آمده است: «مسئولیت مدنی، ناشی از نقض تکلیفی است که ابتدائاً توسط قانون مقرر شده است (همان: ۱۳۰). چنین تکلیفی در مقابل اشخاص به‌طور کلی است و نقض آن از طریق اقامه دعوی برای مطالبه خسارت تقویم نشده، قابل جبران است» (بادینی، ۱۴۰۰: ۳۷). به دیگر سخن، در حقوق انگلیس و به تبع آن حقوق آمریکا، تعریف مسئولیت مدنی با خطا و تقصیر درهم آمیخته است که اصطلاحاً مسئولیت ناشی از خطا^۵ یا به اختصار «حقوق خطاها»^۶ نامیده می‌شود (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ج ۱: ۴۷). در نهایت اینکه تحولات مبانی مسئولیت مدنی تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله انقلاب صنعتی، شرایط اقتصادی و حتی اندیشه‌های فلسفی بوده است. در زمینه مبنای مسئولیت مدنی نظریه‌های مختلفی از سوی متفکران غربی مطرح شده که بیشتر جنبه فلسفی دارند و حقوق موضوعه را کم و بیش تحت تاثیر قرار داده‌اند. این نظریه‌ها، شامل نظریه خطر، تقصیر، مختلط، تضمین، تضمین گروهی و تقصیر به مفهوم نوعی است (شهابی خراسانی، ۱۳۹۰: ۴۲). مبنای مسئولیت مدنی در

۱- Breitbarth

۲- Hilliard

۳- Sir Percy Henry Winfield

۴ Valeri

۵- Tortious Liability

۶- Torts Law

باب اتلاف و تسبیب به نظریه خطر نزدیک است آن هم خطر مطلق نه خطری که الزاماً با نفع مادی همراه باشد. به هر حال به نظر می‌رسد که در فقه اصولاً نظریه مسئولیت بدون تقصیر یا مسئولیت نوعی (یعنی) پذیرفته شده است. تبیین اصول و قواعد مربوط به مسئولیت مدنی در فقه امامیه، سابقه‌ای طولانی، بنیان‌های نظری مستحکم و مبنایی اصیل دارد. از سویی نیز برای دیدگاه‌های مطرح شده در حقوق غربی، ایرادهای بسیاری بر شمرده‌اند. این امر حکایت از این دارد که قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی، در فقه امامیه، موضوعی اصیل است که از سوی فقها مورد تحلیل و بررسی و مذاقه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که بسیاری از ظرایف و دقت نظرهای فقها در تبیین و تشریح اصول و قواعد مسئولیت مدنی در حقوق غربی، بی‌نظیر و یا کم‌نظیر است. در مجموع می‌توان بر این عقیده بود که نظام مسئولیت مدنی در فقه امامیه با تکیه بر قواعد فقهی هم چون اتلاف و تسبیب، لاضرر، غرور، اقدام و احسان یک نظام پیشرفته و جامع است که شکل‌گیری این نظام مرهون تلاش‌ها و دقت نظر فقهای امامیه در طول قرون متمادی بوده است.

در ارتباط با انواع مسئولیت مدنی قابل ذکر است که مسئولیت را به مواردی شامل مسئولیت ناشی از فعل شخص (قاعده عمومی) و مسئولیت ناشی از فعل غیر تقسیم نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۵). در مسئولیت ناشی از فعل شخص، انسان جوابگوی عمل زیانباری است که شخصاً مرتکب گردیده است و طبیعی است که هر کس باید پاسخگوی آثار و نتایج اعمال خویش باشد و این به عنوان یک قاعده عمومی پذیرفته شده است که هر کس تنها ضامن اعمال خویش است و زبانی را که خود به دیگری می‌زند باید جبران کند. علی‌الاصول مسئولیت ناشی از عمل شخصی مبتنی بر مجازات تقصیر می‌باشد. در حقوق ما ماده ۹۵۳ ق.م. تقصیر را بدین گونه تعریف نموده است: «تقصیر اعم است از تعدی و تفریط». از این تعاریف استنباط می‌شود که تقصیر شامل دو عنصر مادی و روانی است. در عنصر مادی تقصیر برای این که شخصی مقصر محسوب شود، باید یک رفتار مادی از او سرزده باشد، این رفتار ممکن است ناشی از یک عمل مثبت (اقدام به کاری) یا ناشی از یک عمل منفی (خودداری از انجام کاری) باشد، به عبارت دیگر تقصیر ممکن است با فعل مثبت و یا تقصیر در خودداری باشد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۸۳). در عنصر معنوی یا روانی تقصیر قابل ذکر است که در حقوق جزا تمیز و سلامت اراده فاعل رکن اصلی مسئولیت را تشکیل می‌دهد و بدون وجود تمیز و سالم بودن اراده نمی‌توان تقصیر کیفری را به کسی نسبت داد. چون مسئولیت متفرع بر تمیز و اراده است و تا اراده‌ای در کار نباشد و آن اراده خوب و بد را از هم تمیز ندهد و سالم نباشد، مسئولیت محقق نمی‌شود؛ طرفداران نظریه مسئولیت نوعی تقصیر، نیز یکسره اراده و تمیز را نفی نمی‌کنند؛ زیرا آنان رفتار شخص غیر ممیز را با یک شخص متعارف و معقول می‌سنجند و مبنای مقایسه حتی درباره کودک و دیوانه نیز تقصیر انسان متعارف و معقول است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۰-۱۰۹).

در ارتباط با مسئولیت ناشی از فعل غیر می‌توان بیان کرد که بر طبق اصل شخصی بودن مجازات‌ها هر کس شخصاً می‌بایست مجازات جرمی را که مرتکب شده است متحمل شود. در مسئولیت ناشی از فعل غیر، تقصیر نقش کمتری دارد، با وجود این نقش تقصیر به کلی حذف نشده؛ زیرا شخص به طور معمول مسئول کار کسانی قرار می‌گیرد که با نظارت و هدایت او فعالیت می‌کنند. پس اگر خسارتی از ناحیه آن‌ها به بار آید، فرض این است که به درستی هدایت نشده‌اند و محافظ و مواظب در این زمینه بی‌مبالاتی کرده است (کاتوزیان، ۱۴۰۱: ۵۲۴). در حقوق ما، مسئولیت ناشی از فعل غیر جنبه استثنایی دارد و محدود به مواردی است که قانون مقرر می‌کند و نمی‌توان دامنه آن را توسعه داد و باید به موارد منصوص بسنده کرد. اول اینکه مسئولیت ناشی از فعل غیر خود به دو دسته تقسیم می‌گردد که مسئولیت ناشی از فعل غیر برای تقصیر اثبات شده که موارد این گونه مسئولیت را نمی‌توان حصری دانست، زیرا مواردی از اجرای قاعده عمومی مسئولیت ناشی از عمل شخص می‌باشند. اشاره به دو مورد از این‌ها که با بحث ما نیز ارتباط دارد، که شامل حفاظت اشخاص خطرناک و معلمان و مربیان نسبت به افراد تحت آموزش خود می‌باشد و دوم اینکه مسئولیت ناشی از فعل غیر برای تقصیر مفروض که موارد این گونه مسئولیت نیز محدود نیست شامل مسئولیت ابوبین ناشی از اعمال ارتكابی فرزندان و مسئولیت کارفرمایان در قبال اعمال ناشی از کارکنان می‌باشد. به طور خلاصه باید ذکر کرد که کارفرمایان مشمول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری یا کارگران آنها در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی را که او ضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده را به عمل آورده و یا این که اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آورد باز هم

جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود (ماده ۱۴ مسئولیت مدنی). ملاحظه می‌شود که قانونگذار برای کارفرما، فرض تقصیر قرار داده است و کارفرما برای معافیت از مسئولیت می‌بایستی ثابت نماید که تقصیر ننموده است.

۳. یافته‌ها

۳.۱. ماهیت حقوقی باشگاه‌ها در حقوق ایران و انگلیس:

در خصوص تعریف باشگاه همان‌طور که عنوان شد باشگاه، به مکانی اطلاق می‌شود که توسط سازمان‌های دولتی و یا بخش خصوصی به منظور اشاعه ورزش به وجود آمده باشد و افراد علاقه‌مند را نیز به عضویت بپذیرد و تیم‌هایی را برای شرکت در مسابقات بین باشگاهی در ورزش‌های گوناگون معرفی کند. در خصوص ماهیت حقوقی باشگاه نیز می‌توان گفت بر حسب مالکیت و مؤسس آن، از اشخاص حقوقی حقوق خصوصی یا حقوق عمومی می‌باشد. آیین‌نامه رابطه باشگاه‌ها با لیگ، باشگاه را چنین تعریف می‌کند: «باشگاه، مجموعه‌ای ورزشی است که بر اساس معیارهای تربیت بدنی، به عنوان باشگاه تأسیس و در اداره‌ی ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده باشد». در خصوص این که باشگاه‌های ورزشی در کشور ایران باید در قالب چه نوع شرکتی به ثبت برسند علی‌الظاهر محدودیتی در آیین‌نامه رابطه باشگاه‌ها با لیگ دیده نمی‌شود. بند ۱۵ ماده ۹ آیین‌نامه فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: «کلیه باشگاه‌ها از نظر ضوابط داخلی تابع قانون تجارت هستند و کلیه باشگاه‌های لیگ برتر باید علاوه بر مجوز سازمان تربیت بدنی، در ثبت شرکت‌ها نیز ثبت شده و مدارک خود را به سازمان لیگ ارائه دهند». پس علی‌القاعده باشگاه‌ها می‌توانند در قالب هر یک از شرکت‌های تجاری مندرج در ماده ۲۰ قانون تجارت تشکیل شوند. ماده ۲۰ قانون تجارت جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «شرکت‌های تجاری بر هفت قسم است: ۱. شرکت سهامی (ماده ۱ لایحه اصلاحی قسمتی از ق.ت)؛ ۲. شرکت با مسئولیت محدود (ماده ۹۴ ق.ت)؛ ۳. شرکت تضامنی (ماده ۱۱۶ ق.ت)؛ ۴. شرکت مختلط غیرسهامی (ماده ۱۴۱ ق.ت)؛ ۵. شرکت مختلط سهامی (ماده ۱۶۲ قانون تجارت)؛ ۶. شرکت نسبی (ماده ۱۸۳ ق.ت) و ۷. شرکت تعاونی تولید و مصرف» (ماده ۱۹۰ و ۱۹۲ ق.ت). با دقت در ماده ۲ قانون تجارت ایران ملاحظه می‌گردد که موضوع فعالیت باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی در هیچ یک از بندهای ده گانه مزبور واقع نمی‌گردد به بیان دیگر بندهای ۱۰ گانه مزبور موضوعاً از شمول تعریف باشگاه‌های ورزشی خارج می‌باشد و باشگاه‌های ورزشی نمی‌توانند در قالب شرکت‌های با مسئولیت محدود و تضامنی و مختلط و نسبی تشکیل و ثبت شوند. به نظر می‌رسد تنها نوع شرکتی که باشگاه‌های ورزشی می‌توانند در قالب آن تشکیل و ثبت گردند شرکت سهامی می‌باشد و دلیل آن هم صراحت ماده ۲ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه گردید باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی بیشتر به صورت شرکت سهامی تشکیل و ثبت می‌شوند برای مثال باشگاه‌های ورزشی مثل باشگاه‌های پگاه و داماش گیلان و استیل آذین، آرم و عنوان شرکت‌های سهامی را به طور مشخص در لوگوی خود به یکد می‌کشند. به هر صورت باشگاه‌ها هر چند در قالب مؤسسه فرهنگی و ورزشی به ثبت می‌رسند همان‌طور که تا قبل از حرفه‌ای شدن لیگ‌های ورزشی به نحو چشمگیری چنین بود از لحاظ ضوابط و ساختار می‌بایست تابع قانون تجارت باشند (بند ۱۵ ماده ۹ آیین‌نامه رابطه لیگ با باشگاه‌ها) یعنی از نظر تشکیلات اداری و نحوه اداره، رعایت ضوابط قانونی مربوط به شرکت‌های تجاری درباره آن‌ها الزامی می‌باشد.

اغلب باشگاه‌های حاضر در لیگ‌های ورزشی کشورهای اروپایی نیز به عنوان شرکت‌های تجاری و آن هم به صورت شرکت سهامی تشکیل و ثبت می‌گردند و البته مشمول قانون تجارت این کشور نیز می‌باشند. در سال‌های اخیر بسیاری از این باشگاه‌ها سهام باشگاه خود را در بازار بورس شناور کرده‌اند آمار و اطلاعات حاکی از آن است که ارزش سهام بیست و یک باشگاه حرفه‌ای فوتبال انگلیس در سال ۲۰۰۴ میلادی ۲۰/۱ میلیارد پوند برآورده شده است (الهی، ۱۳۸۳: ۳۶). البته در ایران نیز اخیراً باشگاه راه‌آهن به عنوان اولین باشگاه ایرانی بعد از چند بار شکست در عرضه سهام خود را در بورس عرضه نمود که کلیه سهام آن به فروش نیز رفت. باشگاه‌ها در انگلستان در زمره شرکت‌های «محدوده عمومی» (غیر تضامنی عمومی) محسوب می‌شوند (پدیلد، ۱۳۷۳: ۱۶۹). این شرکت‌ها باید دارای دو شریک باشند و همواره می‌بایست کم‌ترین میزان سرمایه سهام صادر شده را حفظ کنند. سهامداران

این شرکت‌ها به راحتی سهام خود را در بازار بورس و یا هر مکان دیگری منتقل می‌کنند. تمامی شرکت‌های بزرگ صنعتی و تجاری، شرکت‌های محدوده عمومی هستند که سهامشان در فهرست بورس سهام و اوراق بهادار ذکر شده است (الهی، ۱۳۸۳: ۷۵). با نگاهی به برخی از متون حقوقی انگلیس به نوعی از باشگاه‌های ورزشی بر می‌خوریم که نه تنها شرکت تجاری نیستند بلکه شخصیت حقوقی نیز ندارند و در اصطلاح خاص، «شرکت مدنی» نامیده می‌شوند. در خصوص این شرکت‌ها گفته شد: «آنها متشکل از گروهی از مردم هستند که به هم ملحق شده‌اند نه منافع مشترکشان را دنبال نمایند» (هامیل^۱ و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۴۶). شرکت مدنی وجود مستقلی از اعضای خود ندارد. بنابراین اگر یکی از اعضا، شرکت از جانب شرکت قراردادی منعقد نماید، آن فرد شخصا در مقابل طرف دیگر مسئول است. رایج‌ترین نمونه‌ها برای شرکت مدنی عبارتند از: انجمن‌ها و باشگاه‌های ورزشی مانند: باشگاه محلی تی‌س، کریکت، شطرنج و... با این وصف، به راستی باشگاه‌های ورزشی در حقوق انگلیس، جزو کدام دسته از شرکت‌های فوق‌الذکر می‌باشد؛ شرکت محدوده عمومی یا شرکت مدنی؟ به یقین می‌توان گفت: باشگاه‌های حرفه‌ای مورد نظر، شرکت محدوده عمومی هستند، زیرا اولاً؛ سرمایه باشگاه‌ها به صورت سهام درآمده و در بازار بورس قابل نقل و انتقال است. در حالی که شرکت مدنی فاقد چنین امتیازی است. ثانیاً؛ در مثال‌هایی که برای شرکت‌های مدنی ذکر شد آن چه که به وضوح ملاحظه می‌شود آن است که باشگاه‌های محلی ورزشی، نوعی شرکت مدنی محسوب می‌شوند در حالی که هیچ‌گاه نمی‌توان پذیرفت که باشگاه‌های بزرگ و ثروتمندی مثل آرسنال - چلسی و لیور پول یا منچستر یونایتد و... باشگاه‌های محلی باشند (مادهوشانی و پرا، ۲۰۲۳: ۳۶۷).

۳.۲. وظایف و مسئولیت‌های مربیان ورزشی در رابطه با ثبت قراردادهای فقه اسلامی و حقوق

در حقوق ایران مربیان ورزشی یکی از اشخاصی هستند که بیشترین مسئولیت را در انجام فعالیت‌های ورزشی گوناگون برعهده دارند و از این جهت ممکن است مسئولیت‌های حقوقی خاصی برای آنها به وجود آید. مربی به مفهوم خاص ورزشی به کسی گفته می‌شود که با گذراندن دوره‌های آموزشی خاص در یک رشته ورزشی از طرف مراجع صلاحیتدار و به خصوص فدراسیون مربوطه مجوز آموزش دادن را به دست می‌آورد. او فردی است که با استفاده از یک سلسله فعالیت‌های حساب شده و منظم استعدادهای جسمانی، حرکتی، فکری، اجتماعی و اخلاقی را در حوزه فراگیران و آموزندگان شکوفا می‌کند، بنابراین توانایی‌ها و نیروهای فطری انسان توسط مربی تقویت شده و به صورت مطلوب تکوین می‌یابد (ارجمند، ۱۴۰۰: ۲۹). رهبری وظیفه عمده مربیگری است اما تمام کار او نیست چرا که مربیان علاوه بر رهبری نیاز به عناصر دیگری همچون برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل دارند. به طور کلی وظایف مربیان ورزشی شامل تعلیم و ورزش طبق آخرین پیشرفت‌ها و اصول فنی به متعلم مراجعه کننده، تربیت معنوی ورزشکار جهت به دست آوردن روحیه سلحشوری و پهلوانی، هدایت ورزشکار جهت کسب حداکثر موفقیت، مراقبت و مواظبت از ورزشکار در حین تمرین‌ها، ارائه روش مناسب برای تمرین‌ها و جلوگیری از بروز مسائل جنبی و آسیب‌های احتمالی، حضور در کلاس و محل تمرین، رعایت مسئله سن ورزشکاران جهت شرکت دادن آنها در رده‌های سنی مربوط به خود آنان و... (رابینسون، ۱۳۹۲: ۳۲)

همچنین در فقه آمده است که، اگر کسی فرزند صغیر خود را برای فراگرفتن شنا به دیگری بسپارد و فرزند غرق شود، چه با قرارداد کاری چه بدون قرارداد کاری، معلم مسئول است، زیرا فرزند را به او سپرده است تا در نگاهداریش احتیاط کند و غرق او دلیل بر این است که در حفاظت تقصیر کرده است. ولی در موردی که فرزند کبیر است، در صورتی مربی مسئول است که تقصیر کرده باشد. درباره مسئولیت مربی صغیر تردیدهایی هم شده است و بعضی آن را منوط به اثبات تقصیر مربی کرده‌اند و بعضی دیگر، به دلیل متعارف بودن این اقدام و هدف مشروع تعلیم، که به مصلحت طفل هم می‌شود، مربی را ضامن نشمرده‌اند. جمعی هم مسئولیت را مطلق شمرده‌اند. ولی آنچه طرفدار بیشتری دارد، اعتقاد به مسئولیت مطلق معلم شنا در مورد کودک و مسئولیت مقید به تفریط او درباره بالغ و رشید است. در این بحث که تعهد به حفاظت در مورد رشید و عاقل تعهد به وسیله است، تردید کمتری دیده می‌شود و تنها گروه اندکی

به ضمان مطلق مربی در هر حال نظر داده‌اند.

باید گفت شرع ما برگرفته از قرآن، سنت و فقه است و فقها با استناد به آیه شریفه (195) سوره بقره که می‌فرماید: ولا تلقوا بأيديكم الى التهلكة (خود را به دست خود به هلاکت نیندازید) بیان می‌دارند که بازی‌های و رقابت‌های غیرشرعی مثل کشتی کج که منجر به ایذاء به نفس و ایذاء به غیر باشد مرتکب جرم شده است. تدوین کنندگان قانون مجازات اسلامی، تعریف یا مصادیق موازین شرعی را مشخص نکرده‌اند. بدین ترتیب بر قاضی و محاکم کیفری است که چهارچوب موازین شرعی محدود کننده مقررات حاکم بر عملیات و مسابقات ورزشی را شناسایی کرده تا در برخورد با حوادث ورزشی بتواند عملیات مشروع و منطبق با موازین شرعی را تشخیص دهد و سپس در صدور حکم اقدام نماید و دادگاه هیچ الزامی به پذیرش نظر دستگاه ورزشی ندارد.

باتوجه به منابع فقهی عقد و قرارداد الزامی بین مسابقه دهندگان در مسابقات وزنه برداری و کشتی و ... روا نیست لکن اگر بدون عقد و ایجاب و قبول شرعی الزامی، بازنده، بخواهد به برنده به عنوان جایزه چیزی بدهد و اجباری در این کار نداشته باشد، اشکالی ندارد. از اینجا فرق بین «عقد» و «وعد» روشن می‌شود که در «عقد» نوعی تعهد شرعی نهفته است که در «وعد» آن الزام وجود ندارد. این فرق در کتابهای لغوی و فقهی به چشم می‌خورد. ابوهلال عسکری می‌نویسد: «تفاوت میان وعد و عهد آن است که عهد، وعده‌ای است که به شرطی مقرون باشد، مانند: سخن تو که می‌گویی: «اگر چنین کنی، چنین خواهم کرد» و تا تو بر آن کار باشی من هم بر آن خواهم بود. خدای بزرگ گفته است: «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ» یعنی به او آگاهانیدیم که از بهشت خارج نخواهی شد، تا زمانی که از این درخت چیزی نخوری. و عهد اقتضای وفا را دارد. در صورتی که «وعد» اقتضای برآوردن و روا کردن حاجت است و گفته می‌شود که: عهد را شکست و وعده را بر نیاورد و روا نکرد.» (ابوهلال عسکری، ۱۹۷۵: ۱۱۲).

محمدجواد مغنیه همین نظریه را برگزیده است: «يجوز للسابق ان يأخذ المال من الدافع على سبيل الوعد، بحيث يجوز له الوفاء به، و العدول عنه لعدم الدليل على التحريم، والأصل الجواز.» (مغنیه، ۱۹۷۷، ج ۴: ۱۱۴) یعنی برای برنده رواست که مقداری از مال بازنده را از راه وفای به وعده بگیرد. البته وعده هم به گونه‌ای باشد که برای بازنده الزامی ایجاد نکند و بتواند در صورت ناخرسندی چیزی نپردازد. [دلیل جایز بودن عوض در این گونه مسابقه‌ها] این است که دلیل بر حرام بودن نداریم و نیز اصل اولی جواز آن است. آیت ... خوانساری در بحث فقهی «مضاربه» به این مسأله و فرع فقهی رسیده است که آیا «اشترط اجل در مضاربه لازم هست یا نه» و اگر عقد لازم نبود، آیا شرط ضمن آن لازم است؟ «ولا يتوجه الاشكال بأنه بعد ما كان شرط تابعا للعقد فمع عدم لزوم العقد كيف يلزم الشرط من جهة ان المعروف عدم وجوب الوفاء بالشرط اذا لم يكن في ضمن عقد بل هو وعد لا يجب الوفاء به ...» (مغنیه، ۱۹۷۷، ج ۴: ۲۳۴). کسی اشکال نکند: چگونه عقدی که لازم نیست، شرط در ضمن آن لازم باشد و حال آن که چنین معروف شده است: واجب نیست وفای به شرط هر گاه در ضمن عقدی نباشد، بلکه آن «وعد» است که وفای به آن وجوبی ندارد. از این عبارت بدست می‌آید که ایشان بین عقد و وعد فرق گذاشته است (آمدی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۳۳).

۳.۳. جبران خسارات مادی در حقوق ایران و انگلیس و فقه اسلامی

در حقوق ایران همان‌طور که در کلیات آمد مقصود از ضرر مادی، ضرری است که به سرمایه اشخاص چه به صورت تلف و نقص مال یا تقویت منافع و حقوق وارد شود و خصوصیتی که دارد آن است که قابل تقویم به پول است چه تلف مال باشد یا منافع. ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی فرانسه نیز به این دو نوع ضرر مادی تصریح کرده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). برای مثال تماشاگرانی که به یک استادیوم ورزشی وارد می‌شوند و با تهیه بلیت به تماشای مسابقات می‌پردازند در صورتی که بر اثر هیجانات ناشی از تماشای بازی اقدام به شکستن صندلی‌ها و امکانات آن استادیوم و یا باشگاه ورزشی نمایند به دلیل تلف این اموال که به صورت تلف عین تجلی یافته است در صورت تحقق شرایط و ارکان مسئولیت مدنی، مسئولیت جبران خسارات وارده را برعهده خواهند داشت. ماده ۳۲۸ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز مقرر داشته است: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص و یا معیوب کند ضامن نقص

قیمت آن مال است». در بسیاری از موارد و به موجب قوانین کمیته انضباطی فدراسیون‌های ورزشی در صورتی که تماشاگران منتسب به یک باشگاه ورزشی اقدام به آشوب و بی‌نظمی و حتی سنگ‌پرانی به ورزشکاران و کارکنان اجرایی باشگاه‌ها و یا امکانات سخت‌افزاری ورزشگاه نمایند ممکن است باشگاه میزبان و یا باشگاهی که تماشاگران مزبور منتسب به این باشگاه می‌باشند مشمول جرائم کمیته انضباطی فدراسیون قرار گیرند. برای مثال در جریان یکی از مسابقات لیگ دسته دوم فوتبال ایران که بین دو تیم چوکای تالش و شهرداری دزفول برگزار گردید تماشاگران تیم میزبان (چوکای تالش) اقدام به ضرب و شتم داور و برهم ریختن ورزشگاه کردند که کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال با توجه به تخلفات برخی تماشاگران و عوامل تیم چوکای تالش، این تیم را به پرداخت جریمه نقدی و کسر امتیاز محکوم نمود (به نقل از سایت فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران، مورخ ۱۳ آذر ۱۳۹۰). بنابراین در صورت شناسایی تماشاگران خاطی، باشگاه و یا مؤسسه ورزشی زیان دیده حق رجوع به عامل زیان را در صورت تحقق شرایط مسئولیت مدنی، خواهد داشت.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که در صورت تعیین جرائم انضباطی برای باشگاه ورزشی مربوطه آیا می‌توان رجوع به باشگاه مزبور به ورزشکار یا تماشاگر خاطی را بر مبنای خسارات مادی توجیه نمود به این صورت که مدعی بشویم با پرداخت خسارات مزبور که تماشاگران یا ورزشکاران خاطی انجام داده‌اند و با پرداخت جریمه مزبور توسط باشگاه یا مؤسسه ورزشی مربوطه در واقع از باشگاه، مال تلف گردیده است و بنابراین این امر خود مصداق خسارات مادی می‌باشد و بنابراین به دلیل ایراد خسارات مادی وارده بر باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی مزبور، تماشاگرانی که مسبب ایراد خسارات به باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی گردیده‌اند به دلیل ایراد ضرر مادی به باشگاه‌های ورزشی و از باب تسبیب در نهایت مسئول جبران خسارات وارده بر باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی قرار گیرند. در جدیدترین رأی صادره از کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال نسبت به تخلف دو بازیکن تیم فوتبال پرسپولیس در بازی با داماش گیلان از سر رقابت‌های باشگاه‌های فوتبال ایران موسوم به لیگ برتر که دو بازیکن تیم پرسپولیس اقدام به حرکات زننده و دور از شأن اخلاقی و حرفه‌ای دنیای ورزش نمودند، کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال، باشگاه پرسپولیس را با جریمه نقدی ۲۰۰ میلیون ریالی مواجه ساخت (خبرگزاری مهر، مورخ ۶ آذر ۱۳۹۰). خلاصه رأی کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال بدین شرح می‌باشد که براساس آن یکی از این دو بازیکن به ۳۰ میلیون تومان جریمه و ۲۰ ماه محرومیت (۴ ماه برای ارتکاب عمل زننده و ۱۶ ماه برای جریحه‌دار نمودن اخلاق عمومی) و دیگری را نیز به پرداخت مبلغ ۳۰ میلیون تومان و ۱۰ ماه محرومیت (۴ ماه برای ارتکاب عمل زننده و ۶ ماه برای جریحه‌دار شدن اخلاق عمومی) محکوم نمود و باشگاه پرسپولیس نیز به دلیل سهل‌انگاری مسئولان این باشگاه در انجام امور فرهنگی که موجب بروز رفتارهای زشت توسط بازیکنان این تیم شده محکوم به ۲۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم می‌گردد (خبرگزاری مهر، مورخ ۶ آذر ۱۳۹۰).

ممکن است در بدو امر به نظر آید که جریمه نقدی و انضباطی که کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال برای باشگاه پرسپولیس تهران در نظر گرفته نوعی خسارت معنوی می‌باشد که به صورت جریحه‌دار نمودن احساسات عمومی و عفت عمومی تجلی یافته است اما باید خاطرنشان ساخت که پرداخت خسارت مزبور توسط باشگاه پرسپولیس به کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال را می‌توان نوعی خسارت مادی دانست و مطالبه خسارت مزبور از ورزشکاران متخلف را باید در قالب ضرر و خسارت مادی وارده بر باشگاه بررسی بنماییم. به بیان دیگر به نظر می‌رسد بتوانیم قائل به این امر بشویم که باشگاه پرسپولیس با پرداخت پول مزبور به کمیته انضباطی، دچار خسارات مادی در قالب تلف مال گردیده است و لذا حق رجوع به بازیکنان متخلف مربوطه را خواهد داشت به بیان دیگر خسارات وارده بر باشگاه که با پرداخت جریمه به کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال تحقق یافته است از مصادیق خسارات مادی می‌باشد. ضمن آن‌که کمیته انضباطی باشگاه پرسپولیس، یک بازیکن را ۳۰ میلیون تومان جریمه و از همراهی تیم فوتبال این باشگاه تا پایان فصل جاری محروم کرده و برای بازیکن دیگر جریمه‌ای ۲۵۰ میلیون تومان و محرومیت تا نیم فصل را در نظر گرفته است (www.Iranyar.ir، یکشنبه ۶ آذر ۱۳۹۰) و به نوعی می‌توان گفت باشگاه پرسپولیس، خسارات معنوی وارده بر باشگاه را از طریق جریمه ۵۵۰ میلیون تومانی جبران کرده است.

در حقوق انگلستان از واژه «دمیج»^۱ برای تعریف خسارات استفاده شده است و خسارات مزبور ممکن است به شخص یا اموال او وارد شده باشد (بلاک^۲، ۱۹۸۹: ۲۰۴). خسارات مادی نیز به خساراتی اطلاق می‌گردد که به صورت نقص بر اموال یا منافع اموال تجلی می‌یابد.^۳ در کشورهای فوتبال خیز مثل انگلستان، تماشاگران متعصب و به اصطلاح تیفوسی علاقه‌مندی خاصی به فوتبال دارند و این علاقه‌های عجیب و غریب اغلب به صورت حوادث تاسف‌آور در استادیوم‌های ورزشی می‌گردد. در یکی از این گونه موارد، در پرونده‌ای^۴ باشگاه آرسنال انگلستان از تیم‌های حاضر در مسابقات لیگ برتر انگلستان در جریان تمرینات خود در استادیوم اختصاصی خود موسوم به «استادیوم امارات» با اعتراض شدید هواداران خود به نتایج ضعیف این تیم مواجه می‌گردد. در یکی از این اعتراضات شخصی به نام «جو میلر» با آسیب رسانیدن به صندلی‌های استادیوم و سایر اموال استادیوم، به طور شدیدتری اعتراض خود را نمایش می‌دهد با دستگیری این فرد و تشکیل پرونده علیه وی، باشگاه آرسنال از این تماشاگر متعصب به دادگاه شکایت کرد. دادگاه مزبور این ادعای تماشاگر را که به دلیل هیجانات و تعصب بسیار به باشگاه محبوب خود و نیز اعتراض به نتایج ضعیف این باشگاه، اقدام به وارد نمودن خسارت به صندلی‌ها و اموال استادیوم شده است را رد کرد و این ادعای خواننده را که باشگاه در کنار سود و منافعی که از ورود تماشاگر به مسابقات و تمرین‌ها به دست می‌آورد می‌بایست زیان‌های ناشی از آن را متحمل شود را رد کرد. دادگاه چنین حکم کرد که ضرر و زیان‌های ناشیه در برابر سود و منافعی که نصیب باشگاه می‌شود شامل ضرر و زیان‌های طبیعی و مرتبط با فعالیت‌های ورزشی مزبور می‌باشد و آسیب رسانیدن تماشاگر به امکانات استادیوم شامل این عنوان نمی‌گردد. دادگاه میلر را به پرداخت ۲۰۰۰ پوند به دلیل خسارات وارده بر استادیوم محکوم نمود (ون کلیف^۵، ۲۰۱۶: ۱۳۷).

در فقه اسلامی انجام فعالیت‌های ورزشی و پرورش روح و جسم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. آیات و روایات متعددی در اسلام راجع به ورزش و وجوب آن وجود دارد نمایانگر دیدگاه روشن شریعت در خصوص مورد است. به موازات این منابع، فقها در باب مسئولیت‌های حقوقی ناشی از حوادث ورزشی نظارت پر محتوی و مستحکمی را مطرح نموده‌اند. ضمان ناشی از عملیات ورزشی و تعلیم ورزش در فقه سابقه طولانی دارد. رشته‌های ورزشی در گذشته عمدتاً شامل تیراندازی، اسب‌سواری، شنا بوده و نظرات فقهی نیز بیشتر حول و حوش همین موارد است. وجود این سابقه طولانی در فقه مؤید چند نکته است: اولاً، اهمیت ورزش و توه به حوادث ناشی از آن، ثانیاً قدمت این سوابق گرانها که ما را در مقابل نظام‌های حقوقی بیگانه مباحی و مفتخر می‌سازد و در عین حال هشدار می‌دهد که نباید صرفاً به افتخارات گذشته به عنوان تاریخچه، دل خوش داشت. بلکه وظیفه ما باید تلاش در جهت تکامل کمی و کیفی آنها باشد و نه صرف نقل آنها (باقری و همکاران، ۱۰۷-۱۰۶).

۳. ۴. جبران خسارات معنوی در حقوق ایران و انگلیس و فقه اسلامی

در حقوق ایران اصل جبران خسارت یکی از ضروری‌ترین و بنیادی‌ترین اصول در تملک قانونی دولت و شهرداری‌ها، نقش عمده‌ای در تأمین حق مالکیت خصوصی داد. بدیهی است سلب مالکیت برای اجرای برنامه‌های عمومی از یک طرف، بایستی کمترین هزینه را به بودجه‌ی عمومی وارد نماید و از طرف دیگر با کمترین ضرر به افراد جامعه صورت پذیرد (خدابخشی، ۱۳۹۰: ۴۲). همان‌طور که قبلاً ذکر شد باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی واجد نوع شخصیت حقوقی می‌باشند و حسب مورد ممکن است بنا بر ساختار تشکیلاتی شان جزو اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و یا حقوق عمومی باشند. به بیان دیگر یا متعلق به بخش خصوصی هستند و یا مالکیت آن‌ها متعلق به دولت و یا نهادهای دولتی می‌باشند. ماده ۵۸۸ قانون تجارت جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته

۱- Damage.

۲- Black

۳- Ibid.

۴- Arsenal .F.C.C V. Joei Miller (2004).

۵- Van Kleeft

است: «شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع حفظ انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال ذلک» (ارجمند، ۱۴۰۰: ۴۶). بر طبق این ماده قانونی، باشگاه‌ها که خود شخص حقوقی می باشند همانند شخص طبیعی، صلاحیت دارا شدن حق و تکلیف، انجام تعهد، طرح دعوا و انعقاد قرارداد را دارا می باشد و حتی ممکن است باعث ایراد خسارت به دیگری شود و یا خساراتی مالی یا معنوی بر او وارد شود. به بیان دیگر می تواند تمام حقوق و تکالیفی را که انسان دارا می گردد به جز آن چه که اختصاص به انسان دارد و لازمه وجود اوست، دارا شود، به طور مثال، صدمات جسمی یا روحی یا لطمه به احساسات و عواطف و باورها اختصاص به انسان دارد و از این حیث، باشگاه و مؤسسه ورزشی متحمل خسارت نمی گردد و ورود چنین خسارتی بر او قابل تصور نیست ولی صدمه بر شهرت و اعتبار باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی نیز مانند اشخاص حقیقی و افراد امکان پذیر است (کاتوزاین، ۱۴۰۱، ج ۱: ۱۳۹). در جایی که ورزشکاران و یا مربیان شاغل در باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی با ارتکاب برخی اعمال مجرمانه به حیثیت و شهرت باشگاه‌های ورزشی خود لطمه وارد می کنند، باشگاه‌های مزبور می توانند از طریق مسئولیت مدنی، جبران خسارات معنوی وارده را مطالبه نمایند. در جدیدترین حوادث ورزشی اخیراً از سری مسابقات باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای برتر جمهوری اسلامی ایران در بازی بین دو تیم داماش گیلان و پرسپولیس تهران، دو بازیکن پرسپولیس اقدام به حرکات زننده و خلاف شئون و حتی حرفه‌ای نمودند که متأسفانه در صحنه بین‌المللی هم بازتاب بدی برای باشگاه پرفرمدار پرسپولیس داشت که البته باشگاه پرسپولیس این دو بازیکن را با محرومیت‌های سنگین و جریمه نقدی مواجه ساخت (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۴) و یا دو بازیکن تیم فوتبال شاهین بوشهر از تیم‌های حاضر در مسابقات لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران در بین دو نیمه فوتبال اقدام به ارادر در کنار نیمکت ذخیره تیم خود نمودند (خبرگزاری مهر مورخ ۱۳۹۷/۷/۹) که باز هم متأسفانه بازتاب بدی در ایران و رسانه‌های کشورهای خارجی داشت و به نوعی به حیثیت باشگاه ورزشی شاهین بوشهر لطمه وارد ساخت. در این رابطه ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي و یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد». ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی ایران نیز وارد کننده ضرر را به جبران خسارت معنوی وارده نسبت به زیان دیده ملزم می نماید (ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب ۱۳۳۹). ماده ۱۰ قانون مزبور نیز مقرر داشته است که «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد...». و همان طور که ماده ۵۸۸ قانون تجارت ایران مقرر می دارد شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال ذلک». به هر صورت همان طور که از مواد مزبور بر می آید باشگاه و مؤسسه ورزشی از تمام حقوق و تکالیف مقرر برای یک باشگاه و مؤسسه ورزشی برخوردار می باشد و کسی که با انجام اعمال غیراخلاقی و زننده به حیثیت و شهرت باشگاه ورزشی خود لطمه وارد نماید ملزم به جبران خسارات وارده می باشد البته همان طور که در مبحث مربوط به شیوه‌های جبران خسارت خواهد آمد ضمانات اجرایی مختلفی دارد که در اختیار محکمه قضایی و یا کمیته انضباطی فدراسیون مربوطه و نیز کمیته انضباطی باشگاه می باشد. ضمن آن که استفاده از پلاکارد و تابلو برای تحقیر حریفان و مقامات رسمی تیم‌ها، از یک تا ۶ جلسه بازی بدون تماشاگر را برای تیم مورد حمایت تماشاگر در پی دارد (بند ۳ ماده ۲۲ آئین نامه کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۸۸) و توهین بازیکن - مربی و سایر دست اندرکاران تیم‌های ورزشی که باعث لطمه به حیثیات توهین شونده می گردد نیز محرومیت‌هایی را برای توهین کننده در پی دارد (ماده ۲۴ آئین نامه).

طبق منابع فقهی، اکنون در جامعه بعد از انقلاب توجه به مبانی حقوق اسلامی و حقوق ایران، قابلیت جبران خسارت معنوی و نحوه جبران آن را اینگونه می توان توجیه و استنباط کرد و قاعدلاً ضرر که از مسلمات فقهی است، برای اثبات مسئولیت مدنی ناشی از خسارت معنوی و روش‌های جبران آن مورد استناد واقع شده است و علاوه بر قاعده لا ضرر دلایل دیگری نیز پیش بینی دیه در مورد

صدمات جسمانی منجر به خسارت معنوی می‌باشد، عقلاً نیز به جبران خسارت معنوی وارد شده و بر اشخاص اذعان دارند که در نظام حقوقی ایران نیز خسارت معنوی قابل جبران است (شهابی خراسانی، ۱۳۹۰: ۴۵). در فقه اسلامی برای جبران ضررهای معنوی روش شناخته شده‌ای وجود ندارد؛ اما بکارگیری شیوه‌ای متداول در حقوق عرفی و موضوعه در فقه نیز قابل پذیرش به نظر می‌رسد، زیرا روش‌های جبران خسارت معنوی، امور نسبی و برآیندی از اندیشه‌های حقوقی و اجتماعی هر عصر می‌باشند، و از سکوت و عدم ردع شارع می‌توان رضایت و حکم شرعی را دریافت. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پذیرش جبران مالی و انواع جبران‌های غیرمالی به منظور ترمیم ضرر معنوی در فقه اسلامی قابل توجیه و دفاع می‌باشد (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۹).

در ادامه در حقوق انگلستان نیز مشخص شد که خسارت‌های ناشی از صدمات جسمانی، آسیب‌های روحی و روانی، صدمه به شخصیت و حقوق مربوط به آن، سلب آزادی و بازداشت و تعقیب غیرقانونی یا مبنی بر اشتباه، صدمه به احساسات و عواطف ملی و مذهبی و غم و اندوه ناشی از مرگ یا زندان یا توهین به خویشان یا دوستان نزدیک یا مانند آن کم و بیش در اکثر نظام‌های حقوق به شیوه‌های گوناگون قابل جبران هستند و به دلیل عدم امکان جبران کامل یا بهانه‌های عدم قابلیت تقویم به امر مادی یا غیر اخلاقی بودن ارزیابی ارزش‌های معنوی به امور مالی مورد بی‌توجهی و بدون جبران باقی نمانده‌اند، تنها تعداد اندکی از کشورها جبران این نوع خسارت‌ها را به طور کلی و یا در موارد خاص نپذیرفته‌اند (گارسیا-گارسیا^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۱۸). از جمله این کشورها می‌توان اتحاد جماهیر شوروی سابق، چین، مجارستان و رومانی، هلند و دانمارک و سوئیس را نام برد (جلیل‌وند، ۱۳۸۳: ۱۱ به بعد). در فرانسه نیز جبران خسارات معنوی به موجب آرای متعددی جبران خسارات معنوی در این کشور در زمینه صدمات بدنی - صدمه به احساسات و عواطف، از دست دادن خویشان، تالم روحی صدمه به حقوق مربوط به شخصیت و مانند آن پذیرفته شده است (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۸۷). شعبه مدنی دیوان عالی کشور فرانسه در ۱۳ فوریه ۱۹۲۳ ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی را ناظر به هر دو نوع خسارت مالی و معنوی دانست و در انگلیس نیز صدمه به حیثیت و شهرت و حقوق مربوط به شخصیت و هتک حرمت از جمله مصداق خسارت معنوی است که در حقوق انگلیس حکم به جبران آن می‌شود (بلاکشو و بلاکشو^۲، ۲۰۱۲: ۲۸۶). رسیدگی به این دعاوی توسط یک هیأت ژوری انجام می‌پذیرد و خسارتی که تعیین می‌شود به مراتب سنگین‌تر از صدمات بدنی است. برخی از آراء محاکم در خصوص جبران خسارت معنوی ناشی از توهین، هتک حرمت و صدمه به احساسات در زیر اشاره می‌شود:

در پرونده‌ای^۳ در سال ۱۹۸۳ میلادی که هیأت ژوری مبلغ ۴۵۰۰۰ لیره (پوند) به نفع خواهان که به احساسات و شهرت او صدمه وارد شده بود حکم صادر نمود (هارلو، ۱۳۸۳: ۲۸۹) و در پرونده‌ای دیگر^۴ در سال ۱۹۹۵ مبلغ ۷۵۰۰۰۰ لیره برای جبران خسارت معنوی ناشی از هتک حرمت تعیین گردید (نقل از روزنامه نگار دین مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۹۵ به نقل از هارلو، ۱۳۸۳: ۲۹۰). در آمریکا نیز یکی از نویسندگان حقوقی بعد از طرح یک پرسش با این مضمون که جبران خسارات در ابتدا مستلزم پاسخ به این سؤال است که در نتیجه صدمه وارده چه زبانی از نظر اقتصادی واقع شده است می‌نویسد که «خسارت ناشی از صدمات غیرمالی علی‌رغم یقین به وجود آنها از قبیل درد و رنج از دست دادن همسر و افسردگی روانی و مانند آن قابل محاسبه نیست. کارشناسان می‌توانند در مورد دستمزدهای از دست رفته، کارکرد احتمالی ایام زندگی و سایر عوامل مادی خسارت حداقلی را تعیین کنند ولی هیچ‌کس قادر نخواهد بود درد یا آسیب‌های عاطفی و حیثیتی را با پول قیمت‌گذاری کند (جامپون جونپور، ۱۳۸۳: ۳۲۶). برای مثال چه طور ممکن است آبرو و حیثیتی که از یک باشگاه ورزشی در صحنه بین‌المللی لکه‌دار گردیده است با پول ارزیابی گردد. دنیای ورزش که در آن پول حرف اول را می‌زند و به عنوان یک صنعت پولساز شناخته شده یک‌تازی می‌کند، در آن حیثیت و شهرت مثبت باشگاه‌های ورزشی نقش و اهمیت دوچندانی دارد. در اروپا قبل از بازی‌های جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۰ میلادی که در آفریقای جنوبی برگزار

۱- Garcia-Garcia

۲- Blackshaw & Blackshaw

۳. Black Show V Lord.

۴. Football Manager Graham V Mirror Graup Newspapers.

گردید، رسانه‌های انگلیس فاش کردند که جان تری^۱ ستاره ملی‌پوش و کاپیتان تیم فوتبال چلسی و نیز تیم ملی انگلستان از تیم‌های سرشناس لیگ برتر جزیره که توسط رومن آبرومیچ غول نفتی روسیه اداره می‌شود با انسا پرونسیل نامزد هم‌تیمی خود وین بریج اقدام به برقراری رابطه جنسی و نام‌شروع نموده است که البته این امر بازتاب بسیار منفی برای باشگاه چلسی انگلستان در مجامع و محافل ورزشی و حتی عمومی داشت که البته باشگاه چلسی ضمن پس گرفتن بازو بند کاپیتانی این بازیکن او را با جریمه نقدی سنگین مواجه ساخت که هر چند مورد مزبور بیشتر جنبه تنبیه انضباطی داشت، به هر صورت باشگاه مزبور جان تری را ملزم به پذیرفتن اشتباه خود و عذرخواهی از مردم و نیز همبازی خود نمود (ایون^۲، ۲۱۳: ۴۶۸).

۳. ۵. جبران خسارات وارده بر کارکنان ورزشی باشگاه (ورزشکاران و مربیان) از ناحیه باشگاه

الف: جبران خسارت مادی وارد بر ورزشکاران و مربیان: هدف از جبران خسارت در مسئولیت مدنی، پرداخت خسارت به زیان دیده به دلیل زیان‌های وارده بر ایشان در نتیجه اعمال ضمان‌آور می‌باشد. همان‌طور که در مبحث تعهدات با شگاه آمد با شگاه در قبال ورزشکاران و مربیان تعهداتی دارد که عدم انجام این تعهدات قانونی ممکن است منجر به خسارت شود و حتی خساراتی را که ورزشکاران یک باشگاه و مؤسسه ورزشی به ورزشکار تیم دیگر وارد می‌کند ممکن است باشگاه ورزشی را نیابتاً مسئول قرار دهد. البته می‌بایست در ابتدا مربی تحت استخدام با شگاه مقصر باشد و در نتیجه تقصیر او زیانی ایجاد شده باشد تا بتوانیم با شگاه ورزشی کارفرمای او را به عنوان مسئول نیابتی^۳ مسئول جبران خسارات وارده بر ورزشکار مزبور قرار دهیم. در صورتی که با شگاه و مؤسسه ورزشی با ورزشکاران غیربالغ قرارداد ببندد در خصوص مسئولیت مدنی نسبت به این اشخاص باید بیان نمود که بر طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی جمهوری اسلامی ایران که مقرر می‌دارد: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و...» (مونتجوی و ورهانگن، ۲۰۲۲: ۴۴۱). بنابراین یک نوجوان غیربالغ که در یک باشگاه ورزشی به ورزش می‌پردازد در صورتی که به دلیل قصور آن باشگاه یا مؤسسه ورزشی، ضرر و زیانی از ناحیه محجور حاصل شود به دلیل قصور، باشگاه و مؤسسه ورزشی مربوطه مسئولیت جبران خسارات وارده را به عهده می‌گیرد. البته امکان استخدام ورزشکاران مجنون در باشگاه ورزشی وجود ندارد و موضوع مربوط موضوعاً از بحث ما خارج است اما امکان استخدام ورزشکاران غیربالغ و حتی سفیه بر طبق آیین‌نامه‌های نقل و انتقالات فدراسیون‌های ورزشی وجود دارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۲۹۱). می‌توان بیان کرد که مهمترین وظایف باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی در قبال ورزشکاران و حتی مربیان تعلیم دهنده ورزشکاران، رعایت اصول ایمنی محیط‌های ورزشی می‌باشد. برای مثال اعمال ورزشی بایستی در مکان خود باشد و در اماکنی که برای آن ورزش تدارم و تهیه شده انجام شود و بایستی ورزش‌هایی مثل جودو، کشتی و مانند آن در سالن مخصوص و بر روی تاتامی و یا تشک کشتی انجام گیرد که برای این ورزش‌ها تدارک دیده شده است. مرداد ماه سال ۱۳۹۰ خبری بر روی تلکس خبرگزاری‌ها آمد که در شهرستان دزفول استان خوزستان، نوجوانی به دلیل نامناسب بودن تشک کشتی سالن کشتی شهید حسینی این شهرستان در حین اجرای فنون کشتی، قطع نخاع گردید (نقل از خبرگزاری ایسنا، مورخ ۱۳۹۰/۴/۲).

در حقوق انگلیس، باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی به دلیل خطرناک بودن محیط ورزشی و بنا بر مصالح اجتماعی می‌بایست مسئول جبران خسارت‌های وارده بر ورزشکاران و مربیان و به طور کلی کارکنان خود باشند. حتی می‌توان گفت باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی نسبت به خسارات وارده بر ورزشکاران که بر اثر روش‌ها و تاکتیک‌های فنی و نیز آموزشی مربی بر ایشان وارد می‌شود، مسئولیت دارند

۱. John Terri.

۲. Ewen

۳. Vicarious liability.

(پاریش^۱، ۲۰۰۳: ۴۹) البته فرضی که ورزشکار در سطحی است که تنها با نظارت و هدایت عمومی مربی تمرین می‌کند، مربی در صورتی مسئول است که غفلت و تقصیر او ثابت شود. مربی مذکور در صورتی مسئولیت دارد که اضرار مستند به تقصیر او باشد و در نتیجه تقصیر او با شگاه نیابتاً^۲ مسئولیت دارد. در پرونده مربوط به به یک بازی کریکت که در سالن سرپوشیده برگزار شده بود یک شرکت کننده آسیب دیده در دادگاه استدلال کرد که برگزارکننده مسابقه (که مالک محل انجام بازی نیز بود) وظیفه مراقبت از ورزشکار و ایمنی را نقض کرده است. او چشم خود را در اثر برخورد یک توپ تنیس که از توپ کریکت معمولی سفت‌تر بود از دست داد. بازیکن مدعی شد که برگزارکننده مسابقه نتوانسته ابزار سالم را برای جلوگیری از صدمه فراهم کند (شعبانی مقدم، ۱۳۹۳: ۴۲) و بر طبق رأی شعبه ۲ مدنی دیوان عالی فرانسه که در ۵ دسامبر ۱۹۹۰ صادر گردید، یک کلوپ بوکس فرانسوی به دلیل این که سالن مورد استفاده اش برای فعالیت ورزشی به تأیید نرسیده بود، محکوم شد. و یک مؤسسه ژیمناستیک هم که در تجهیز یک نوآموز به کمربندهای ایمنی در حین استفاده از بارفیکس، کوتاهی نموده بود محکوم شد در دعوی دیگری، هیأت مدیره مدرسه‌ای به علت سهل انگاری در تهیه حفاظ دهان برای پسر بچه یازده ساله‌ای که در لیگ هاکی روی یخ بعد از مدرسه از ناحیه دندان‌ها به شدت آسیب دیده بود مقصر شناخته شد. تقصیر مدرسه خودداری از تهیه حفاظ دهان بوده است. به هر صورت قصور در استخدام مربیان واجد صلاحیت و وارد گردیدن ضرر به ورزشکاران در نتیجه تقصیر مربی که صلاحیت لازم را برای آموزش و تعلیم به ورزشکار تحت آموزشش نداشته ممکن است در صورتی که تقصیر مزبور سبب اصلی صدمات خواهان باشد موجب مسئولیت با شگاه ورزشی مربوطه قرار گیرد (شعبانی مقدم، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۳).

— تقصیر ورزشکار در ایراد آسیب و ضرر به خود: اصولاً در جایی که بازیکن خود در وقوع آسیب و یا صدمه به خود نقش داشته باشد و رعایت موارد ایمنی که از طرف با شگاه برای او تعیین گردیده است را ننماید در خصوص مسأله مطروحه، برخی اساتید حقوق به طور کلی، وضع زیان دیده را مانند سایر موارد به عنوان یک «سبب» دانسته‌اند و معتقدند در مواردی که حادثه به علت دخالت زیان دیده و دیگران ناشی شده باشد مصداقی از دخالت چند سبب است (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ج ۱: ۵۰۲) که نتیجه منطقی سخن ایشان، تقسیم خسارت در حالت شرکت می‌باشد یا محرومیت کامل در مواردی است که کل حادثه منتسب به زیان دیده باشد. در قانون مسئولیت مدنی، مشخصاً می‌توان به ماده ۴ قانون مزبور اشاره کرد که در این ماده آمده است: «دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد: ۱. هر گاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد. ۲. هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود. ۳. وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد». در قانون مجازات اسلامی هم به موجب ماده ۲۲ قانون مذکور، یکی از موجبات تخفیف مجازات، جایی است که رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه موجب ارتکاب جرم گردیده باشد (بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران). همان طور که ملاحظه می‌گردد اصولاً نقش زیان دیده هم می‌تواند یکی از کیفیات مخففه در تعیین مجازات برای مجرم گردد و هم بر طبق بند ۳ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی از موجبات تخفیف در میزان خسارت گردد. به هر حال آن چه قابل استنباط از مفهوم بند ۳ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی ایران می‌باشد آن است که در صورت مشارکت زیان دیده، اصولاً نباید هیچ بخشی از خسارات را کاهش داد مگر آن که دادگاه براساس بند ۳ ماده ۴ قانون مذکور صلاح بداند که باید مقداری از خسارت را تخفیف دهد. به هر شکل، در مورد تقصیر زیان دیده چنان چه رفتار خواهان، از حد معیارهای لازم برای حفاظت از خود پایین‌تر باشد و قانوناً به سبب تحقق صدمه کمک کند این امر مانع جبران خسارت خواهان خواهد بود (جامپون جونپور، ۱۳۸۳: ۱۶۷). به هر شکل در حقوق ایران اگر بازیکنی در حین انجام بازی یا به مناسبت آن، خسارت و صدمه‌ای به خود وارد آورد به نحوی که اقدام او، جز یا تمام سبب حادثه در معنی قواعد

۱- Parrish

۲. Vicarious liability.

عمومی مسئولیت مدنی باشد جز در موردی که تقصیر او به صورت غیر قابل بخشایش است باید پذیرفت که هیچ بخشی از خسارات او کاسته نمی شود و همه زیان های وارده به او به عهده کارفرمایش که باشگاه مربوطه اوست می باشد. دلایل این ادعا که همراه با نوعی قیاس اولویت است به شرح زیر می باشد: «۱. اقدام ورزشکار یا مربی و سایر کارکنان باشگاه در ایراد خسارت به خود که کارگر باشگاه محسوب می شوند، هرگز نقشی فراتر از یک «سبب» را ایفا نمی کند و نباید تصور کرد که چون علیه خود اقدام می کند، نمی تواند درخواست خسارت کند! زیرا منظور ما اقدام عامدانه نیست تا شخص هم خود را عمداً مصدوم کند و هم انتظار حمایت را داشته باشد بلکه منظور ارتکاب انواع قصورهایی است که هر شخصی در معرض آن ها است و در این موارد بین بی احتیاطی زیان دیده و خسارت به خود و بی احتیاطی دیگران و خسارت به غیر خود، فرقی نیست (خزائلی، ۱۳۸۹: ۷۹). ۲. ماهیت تقصیر اعم از این که از سوی زیان دیده باشد یا از سوی دیگران، تفاوتی ندارد. اگر ورزشکاری باعث خسارت به دیگر ورزشکاران شود، جز در حالت تقصیر غیر قابل بخشایش، مسئولیت آن با کارفرما است و همین وضع را می توان در موردی که تقصیر کارگر، سبب خسارت به خود می شود نیز پذیرفت زیرا گفته شد که سبب آن ها و ماهیت تقصیر، در هر دو مورد یکسان است. اگر تقصیر ورزشکار یا مربی در فرآیند تحقق مسئولیت مدنی اثری نداشته باشد چه فرقی میان خسارت به دیگری یا خسارت به خود می باشد و آیا پذیرفته است که ورزشکار در مورد اعمال خود، در صورت ایراد خسارت به دیگران جز در مورد تقصیر غیر قابل بخشایش، مسئول نباشد اما در صورت خسارت به خود، هر نوع قصوری، او را محروم کند یا خسارت دریافتی را کاهش دهد؟ فعل بازیکن - کارگر - در همه حالات یکسان است و ماهیت متفاوتی ندارد و اثر در آن در تکوین مسئولیت نیز یکسان می باشد. این امر به ویژه وقتی قابل توجه است که از فعل ورزشکار، هم خود او خسارت ببیند و هم دیگران، متحمل خسارت گردند» (خزائلی، ۱۳۸۹: ۸۰). آیا در این حالت می توان، در خصوص خسارت به خود، هر نوع اهمالی را سبب کاهش خسارت دانست؟ این تمایز از نظر قواعد مسئولیت و نظم منطق آن، پذیرفته نیست بنابراین تقصیر غیر قابل بخشایش ورزشکار مبنای تأثیر فعل او در مورد خسارت وارده بر خود است و دیگر تقصیرهای معمولی او را باید غیر مؤثر دانست و نتیجه این امر مسئولیت کامل باشگاه یا مؤسسه ورزشی مربوطه در مقابل اعمال ورزشکارانش می باشد.

- تقصیر ورزشکار زیان دیده به عنوان علت منحصر حادثه زیان بار: در جایی که تقصیر ورزشکار مصدوم علت منحصر حادثه زیان بار باشد و حادثه زیان بار فقط به زیان دیده منتسب باشد باید بررسی نمود که در اینجا مسئولیت چگونه توزیع می شود؟ برای مثال در صورتی که ورزشکار به دلیل سهل انگاری در انجام تمرینات فیزیوتراپی که از طرف پزشک باشگاه برای او در نظر گرفته شده دچار مصدومیت گردد چه سرنوشتی در انتظار او می باشد؟ آن چه که در بادی امر باید بدان توجه نمود آن است که در صورتی که زیان دیده در وقوع فعل زیان بار طوری دخالت نماید که عرفاً فعل به او استناد نماید در اینجا رابطه ی سببیت بین فعل زیان بار عامل ضرر و ضرر وارده منتفی می گردد و زیان دیده نمی تواند خسارات وارده بر خود را از باشگاه و مؤسسه ورزشی مربوطه مطالبه نماید. ضمن این که مطابق با قاعده ی اقدام، ایشان به ضرر خود اقدام نموده است و بنابراین حق رجوع به باشگاه و مؤسسه ورزشی مربوطه را ندارد (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ج ۱: ۵۱۲).

— تقصیر ورزشکار زیان دیده به عنوان یکی از علل حادثه زیان بار: در جایی که تقصیر زیان دیده در کنار سایر علل و حوادث منجر به وقوع فعل زیان بار گردد در خصوص مسئولیت مدنی و جبران خسارات وارده در این خصوص چه حکمی باید دارد؟ برای مثال در جایی که ورزشکاری به دلیل قصور مربی خویش اقدام به انجام تمریناتی خطرناک نماید و در نتیجه مصدوم گردد باید قائل بر آن بود که در این صورت اگر انجام دهنده فعل زیان بار یک نفر باشد زیان دیده می تواند سقف خسارات وارده بر خود را از او خواستار شود و اگر دو نفر باشند، زیان دیده می تواند ثلث خسارات وارده بر خویش را از هر کدام خواستار شود. و به همین ترتیب به نسبت افراد شریک در انجام فعل زیان بار، خسارت زیان دیده بین آنان تقسیم می شود و او نیز به همان نسبت باید خسارات وارده را متحمل شود. به همین جهت در ماده ۳۳۴ ق.م. که حکم آن نظریه مشهور بلکه در فقه امامیه اجماعی است (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۴۲: ۶۳) مقرر شده است: «هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سوار، و دیگری پیاده باشد در صورت شبهه عمد، نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می شود و در صورت خطای محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری

است.» هم چنین در ماده ۳۶۵ همین قانون آمده است: «هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود».

نقش قاعده (Volenti) (پذیرش ارادی خطر) در مسئولیت مدنی باشگاه‌های ورزشی در حقوق انگلیس و ایران به صورت تطبیقی بدین صورت قابل تشریح است که قاعده کامن لو (volenti non fit injuria) مبین این امر است که شخصی که آگاهانه و عامدانه خودش را در موقعیت خطرناک قرار می‌دهد نمی‌تواند بعدها برای خسارات ناشی از حضور در آن موقعیت خطرناک مطالبه‌ی خسارت نماید. به بیان دیگر قاعده مزبور بدین معنا است که به شخص اختیار می‌دهد که درجه خطر رویداد مزبور را ارزیابی کند و سپس تصمیم و شرکت در آن رویداد بگیرد این قاعده یک دفاع در شبه جرم محسوب می‌شود (پاریش، ۲۰۰۳: ۷۹). به هر شکل جراحات ورزشی معمولاً با ورزش‌های آمریکایی توأم می‌باشد. از جمله این ورزش‌ها عبارتند از بیسبال و راگبی و بیسبال. این قاعده کامن‌لویی مشابهت فراوانی با قاعده اقدام در حقوق ایران دارد که به موجب آن هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد واردکننده‌ی زیان که شخص دیگری است مسئول خسارت نخواهد بود. فقها مسئولیت واردکننده‌ی زیان را مستند به اقدام دانسته‌اند بدین معنا که شخص با اقدام خود موجب از بین رفتن حرمت مالیش شده است (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۳۱). در زمینه ورزش نیز می‌توان قائل بر آن شد که اصولاً ورزشکاران و مربیان و حتی تماشاگران پذیرای خطرهای عادی و طبیعی و تبعی همان ورزش را که قابل پیش‌بینی و روشن باشد قبول می‌کند ولی خطر صدمات حاصله از اعمال ضمان‌آور همبازی‌های خود و عدم رعایت تعهدات ایمنی توسط باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی را هرگز مورد پذیرش قرار نخواهند داد. عده‌ای از صاحب نظران علم فقه و حقوق معتقدند که تماشاگران با حضور در میدانهای ورزشی خطرناک، به استناد قاعده فقهی اقدام و به طور ضمنی آثار احتمالی این عمل خویش را پذیرفته‌اند. ولی، این استدلال تنها ممکن است در صورت حضور رایگان تماشاگران وجهی از اعتبار را داشته باشد. به طور خلاصه، پیش‌بینی و سایل احتراز خطر، تعهد عام هر برگزارکننده‌ی است، خواه از تماشاگران پولی بگیرد یا آنان را رایگان بپذیرد. جز این که، در صورت اخیر، مسئولیت برگزارکننده ناشی از قرارداد نیست و ناشی از تقصیر ایجاد خطر است. ولی در فرض شایع فروش بلیط برای دیدن مسابقه، بی‌گمان این شرط ضمنی وجود دارد که ایمنی آنان به هنگام تماشای بازیها حفظ خواهد شد. رویه دادگاه‌ها در کشورمان نیز به بر این اصل استوار است که تعهد فروشنده‌ی بلیط، در برابر پولی که می‌گیرد، تأمین سلامت خریدار در برابر خطر ناشی از تماشای مسابقه است. به بیان دیگر، بنای دو طرف بر تأمین این نتیجه است نه تمهید وسایل و مواظبت برای احتراز از خطر. پس مسئولیت هر صدمه‌ای که تماشاگر ببیند بر عهده طرف قرارداد است، مگر این که ثابت کند ناشی از قوه قاهره یا خطای تماشاگر و تجاوز به نظام برقرار شده بوده است (ادرم، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

در دعوای بورک علیه داپلچین^۱ با این که بازیکن سافت بال خطر مضر و شدنی به وسیله چوب یا توپ بازی را پذیرفته بود ولی نمی‌پذیرد که بازیکن حریف در حین دویدن از پایگاه اول به دوم، خود را بر خواهان که در فاصله پنج پایی (حدود یک و نیم متر) پایگاه قرار دارد بکوبد (جامپیون جونیر، ۱۳۸۳: ۱۶۸). البته خواننده براساس این قاعده باید اثبات کند که خواهان، به طور داوطلبانه و آگاهانه خطری را که در آن بازی رایج بوده (خطر ذاتی^۲ آن ورزش) را پذیرفته است و البته تجلی این ادعا و دفاع با اثبات حضور داوطلبانه و ارادی خواهان در ورزش مورد نظر قابل تحقق می‌باشد. به هر صورت این دفاع، مسئولیت را از ذمه کسی که در غیر این صورت مسئول بود بر می‌دارد البته دفاع مزبور تنها در جایی نسبت به دعوای تقصیر و مسئولیت قابل اعمال می‌باشد که وظیفه مراقبت و نقض آن وظیفه و خسارات ناشیه از آن به طور تمام و کمال اثبات شده باشد (پاریش، ۲۰۰۳: ۶۴۳-۶۴۲). بنابراین اگر فعل زیان بار بخشی از قواعد آن بازی باشد نقض تعهدی وجود ندارد و بنابراین اگر نقض تعهدی وجود نداشته باشد نیازی به قاعده (volenti) نمی‌باشد (پاریش، ۲۰۰۳: ۶۴۳). مفاهیم و قواعد مشابه (Volenti) در حقوق ایران شامل موارد زیر است:

۱- Bourque V Duple Chin, 1976.

۲. Inherent risk.

۱. قاعده اقدام: هرگاه شخصی با توجه و آگاهی عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد، واردکننده‌ی زیان که شخص دیگری است مسئول خسارت نخواهد بود. فقها عدم مسئولیت واردکننده زیان را مستند به اقدام دانسته‌اند؛ بدین بیان که شخص با اقدام خود موجب از بین رفتن حرمت مالش شده است (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۲۱). بنابراین ورزشکاری که در یک مکان ورزشی به ورزش می‌پردازد بدون آن که عضو آن باشگاه و تحت شمول بیمه آن باشگاه ورزشی باشد ممکن است در صورتی که بر اثر تقصیر خودش به او آسیبی برسد، با توجه به قاعده اقدام، خود موجب ضرر به خود گردیده بنابراین حق مراجعه به صاحبان آن امکان ورزشی را ندارد. مانعیت اقدام برای اجرای قواعد حمایتی از خسارت دیدگان، آن چنان بدهات عرفی و عقلی دارد که نیازی به جست‌وجوی مستندات نقلی برای آن احساس نمی‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۲۲). با این حال فقها برای اثبات این قاعده به خبر «لا یحل مال امرء الا بطیب نفسه» استناد می‌کنند؛ بدین مضمون که وقتی مالکی راضی به تصرف بلاعوض دیگری شد، دیگر موردی برای ضمان متصرف باقی نمی‌ماند بنابراین اگر کسی مال خود را به کودک یا دیوانه‌ای بسپارد نمی‌تواند به استناد قاعده اتلاف از آنان خسارت بخواهد، زیرا به زیان خویش اقدام کرده است (کاتوزیان، ۱۴۰، ج ۱: ۹۶).

۲. رضایت زیان‌دیده: اشخاص می‌توانند زیان‌های ناشی از تقصیر را پذیرا شوند و حقی را که از این بابت دارند ساقط کنند ولی این که این رضایت - تحمل خسارت تا چه اندازه نفوذ حقوقی دارد و مسئولیت عامل زیان را از بین می‌برد باید خسارت وارد بر اموال را از اشخاص جدا کرد: «۱. در مورد خسارتی که ممکن است بر اموال شخص وارد شود، اراده مالک را باید محترم شمرد زیرا طبق قانون، تصرفات مالک جز در موارد استثنایی در ملک خود آزاد است (ماده ۳۰ قانون مدنی ایران). بنابراین مالک می‌تواند به تلف مال خویش رضایت دهد و چون بر اساس قاعده اقدام به ضرر خود اقدام کرده از این رو مسئولیتی متوجه عامل زیان نیست. ۲. در مورد ایراد زیان بدنی و جانی، بجز در موارد استثنایی مانند اعمال جراحی و طبی نمی‌توان برای معافیت از مسئولیت به رضایت استناد کرد. زیرا انسان و حقوق مربوط به شخصیت او محترم است و این حقوق غیر قابل انتقال است و تجاوز به آن حتی با رضایت زیان‌دیده مجاز نیست، پس اگر شخصی از دیگری بخواهد که او را بکشد یا مجروح سازد مرتکب از مسئولیت معاف نمی‌شود (درویان، ۱۳۸۰: ۶۴-۶۳). ضمن آن که این امر خلاف نظم عمومی نیز می‌باشد (ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران).

۳. پذیرش خطر: قبول خطر یعنی پذیرش اختیاری، صریح یا تلویحی خطرهای ارزیابی و شناخته شده و بنابراین کسی که خطر ناشی از رفتار دیگری را می‌پذیرد در صورت وقوع ضرر و زیان می‌تواند جبران آن را مطالبه کند (جامپیون جونیور، ۱۳۸۳: ۱۸۵). بنابراین ورزشکاران برخوردها و تماس‌های متعارف در چهارچوب قوانین آن ورزش خاص را می‌پذیرند (هارپ‌وود^۱، ۲۰۰۹: ۲۷۲). به هر صورت میان پذیرش خطر و رضایت زیان‌دیده علی‌رغم وجود شباهت‌هایی، تفاوت نیز وجود دارد بدین نحو که پذیرش خطر توسط زیان‌دیده و رضا دادن وی به تحمل ضرر کاملاً یکی نمی‌باشد. به هر حال باید گفت که پذیرش خطر از سوی زیان‌دیده، مسئولیت مبتنی بر تقصیر عامل زیان را از میان نمی‌برد، بنابراین ممکن است که پذیرش خطر، خود نوعی تقصیر به شمار آید. بنابراین ورزشکاران با حضور در میدان‌های ورزشی عملاً برخوردهای عادی و متعارف آن ورزش را پذیرفته‌اند (جامپیون جونیور، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۳۶).

۴. قاعده تحذیر: به موجب قاعده تحذیر، اگر کسی قبل از انجام هر کار مشروع و مخاطره‌آمیز هشدار لازم و مؤثر را بدهد به صورتی که هشدار گیرنده به رغم متوجه شدن و توانایی فرار از منطقه خطر، دور نشود و یا به هشدار توجه نکند و در اثر فعل هشداردهنده، صدمه یا جنایتی به شخص وارد شود، مسئولیتی متوجه هشداردهنده نیست (حاجی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۰). در فقه اسلامی نیز این قاعده منبعث از قاعده فقهی «قدأعذر من حذر» می‌باشد. در هر صورت یکی از راه‌هایی که خواننده در دعاوی صدمات ورزشی می‌تواند از طریق آن برای احتراز از مسئولیت تلاش کند استفاده از قاعده تحذیر می‌باشد.

در پرونده باشگاه آدام دانتیه علیه شارپ^۱ که در آن حکم شد مالک یک باشگاه ورزشی نسبت به ورزشکاری که به طور تفریحی در آن جا به فعالیت ورزشی پرداخته بود بدون آن که به هشدارهایی که به صورت تابلو و پلاکارد بر اطراف زمین نصب شده و ممنوعیت ورزش در آن مکان ورزشی را هشدار داده بود، توجهی کرده باشد مسئولیتی ندارد. حکم دادگاه مستند بر این نکته بود که باشگاه ورزشی مربوطه هشدار لازم را در این زمینه داده بود و عدم توجه ورزشکار مزبور به هشدارهای مربوطه، موجب معافیت باشگاه ورزشی از مسئولیت می‌گردد. عدم ارائه هشدار نسبت به خطرات ذاتی ورزش‌ها و یا تجهیزات ورزشی نیز ممکن است موجب مسئولیت مدنی باشگاه‌های ورزشی نسبت به ورزشکارانی که در آن اماکن به فعالیت ورزشی می‌پردازند شود.

حق انتخاب نوع مسئولیت از طرف زیان‌دیدگان در حوادث ورزشی نیز وجود دارد که اصولاً وقتی بحث از مسئولیت مدنی و یا مسئولیت قراردادی می‌شود این بحث به میان می‌آید که آیا اصولاً زیان‌دیده حق انتخاب یکی از دو نوع مسئولیت را دارد یا خیر؟ برای مثال همان طور که گفته شده است رابطه ورزشکاران و مربیان با باشگاه‌ها و ترتیب‌دهندگان مسابقات ورزشی مبتنی بر قراردادی است که در این زمینه بسته می‌شود. ویژگی این قرارداد در پذیرش خطرهای ناشی از آن ورزش و مسابقات است. به عنوان مثال راننده‌ای که در مسابقه اتومبیل‌رانی یا بوکس شرکت می‌کند و در این زمینه با مؤسسه ورزشی اعم از باشگاه و انجمن‌ها و واسطه‌های ورزشی پیمان می‌بندد از خطرهای این اقدام آگاه است و به طور ضمنی آن را می‌پذیرد. پس نمی‌تواند تضمین سلامت خود را برعهده‌ی مربی یا باشگاه نهد. بی‌گمان در این قراردادها شرط ایمنی مفروض است و مفاد آن نیز ناظر به تمهید و سیله است و نه کسب نتیجه مطلوب. پس در دعوای مسئولیت قراردادی ورزشکار باید تقصیر خواننده تقریط او در پرهیز از خطر و تمهید وسایل ایمنی اثبات شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۵۵). بنابراین از طرفی به موجب قرارداد، ورزشکار و مربی زیان‌دیده حق رجوع به باشگاه را دارا می‌باشند و از طرفی می‌توان این تعهد ایمنی را نوعی تکلیف قانونی دانست که نقض آن توسط باشگاه‌های ورزشی می‌تواند با وجود شرایط دیگر منجر به ایجاد مسئولیت مدنی به معنای خاص برای باشگاه‌های ورزشی شود. وقتی برخی از وظایف اصلی مدیران مؤسسات ورزشی را فراهم آوردن محیط ایمن و نیز وسایل و تجهیزات ایمنی دانسته‌اند (آراولسون، ۱۳۸۴: ۹۹). به هر صورت کافر ما بر طبق یک وظیفه قانونی مکلف است تا محیط کاری امن نیز به همراه تجهیزات مناسب برای کار را برای ورزشکاران فراهم آورد و برای تثبیت و حفظ این وضعیت نیز به طور منطقی اعمال مراقبت نماید. قانون تجهیزات ایمنی فردی در محل کار (۱۹۹۲) کارفرمایان را مکلف می‌کند تا همه گام‌های منطقی لازم را برای حصول اطمینان از این که وسایل ایمنی به طور صحیح مورد استفاده قرار می‌گیرند بردارد. قانون مزبور کارگر را مکلف به استفاده از وسایل ایمنی تهیه شده می‌داند (آراولسون، ۱۳۸۴: ۹۹). به هر صورت زیان‌دیده می‌تواند هم به مسئولیت قراردادی و هم به مسئولیت مدنی برای جبران ضرر و زیان وارده تمسک ورزد. بدیهی است که اگر به مسئولیت مدنی باشگاه‌های ورزشی بخواهد استناد نماید، تقصیر باشگاه مفروض است و باشگاه ورزشی مربوطه بایستی، عدم تقصیر خود را اثبات و احراز نماید ولی در فرض مسئولیت قراردادی می‌بایست نقض تعهد (عدم انجام تعهد مقرر) باشگاه‌های ورزشی را اثبات کند که در این صورت با تحقق سایر شروط، حکم به پرداخت جبران خسارات زیان‌دیده می‌شود البته همان طور که برخی گفته‌اند این امر تنها در صورتی است که طرفین در قرارداد این حق را محدود نکرده باشند مثلاً مطابق ماده ۲۳۰ قانون مدنی در صورتی که طرفین میزان خسارت ناشی از عدم انجام تعهد را از قبل معین کرده باشند قاضی حق ندارد میزان خسارت تعیین شده را کاهش یا افزایش دهد و هم‌چنین است در جایی که نقض عهد، عمدی و یا مسئولیت قانونی چندان با نظم عمومی ارتباط دارد که قرارداد منحرف‌کننده‌ی آن را بایستی غیر نافذ شمرد (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۷۱-۷۳).

ب. جبران خسارات معنوی وارد بر ورزشکاران و مربیان: همان طور که قبلاً بحث و بررسی گردید ورزشکاران و مربیان باشگاه جزو کارکنان باشگاه محسوب می‌شوند و رابطه‌ی ایشان، رابطه‌ای کارگری و کارفرمایی می‌باشد. مسأله‌ای که در اینجا می‌خواهیم

۱- Adam Dante Corp V Sharape, 1972.

بررسی نماییم بحث راجع به جبران خسارات معنوی وارد بر ورزشکاران و مربیان می‌باشد. برای مثال در صورتی که با شگاه ورزشی بازیکن تحت استخدام خود را به تبانی با تیم دیگری متهم نماید و بدین طریق، حیثیت و شهرت او را در جامعه لکه‌دار نماید به ویژه در جایی که بعداً حکم بر بی‌گناهی آن ورزشکار صادر شود آیا می‌توان قائل به جبران خسارت معنوی شد؟ در خصوص اصل پذیرش خسارات معنوی و زیان‌های ناشی از آن که همگان تحقق عنوان ضرر را بر آن پذیرفته‌اند دیگر بر کسی تردیدی نیست و به قول یکی از مؤلفان حقوقی انگلستان (تریپال^۱، ۱۹۹۵: ۷۶): «توصیف موسع زیان شامل هر گونه صدمه یا لطمه به شخص یا شخصیت یا اموال خواهان می‌شوند و مفهوم لطمه به شخصیت شامل ایراد لطمه به احساسات - حیثیت - شهرت می‌شود. به هر صورت می‌توان خسارات معنوی را مطلق خسارات غیر مادی دانست که به گونه‌های مختلف همچون لطمه به سرمایه‌های معنوی و حقوق مربوط به شخصیت و حیثیت انسانی یا جریحه‌دار شدن احساسات و عواطف ظاهر می‌شوند. با تصویب ماده یک قانون مسئولیت مدنی که مقرر می‌داشت: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی و یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول خسارات ناشی از ضرر خود می‌باشد.» ماده ۲ نیز به نوع دیگری اصل قابل جبران بودن خسارات معنوی را تأیید می‌نماید. این ماده مقرر داشته است: «در صورتی که عمل واردکننده زیان، موجب خسارات مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت صدور امر، او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید» (وان کلف، ۲۰۱۶: ۹۶). بنابراین ورزشکاری که به حیثیت او لطمه وارد آمده جدا از آن که می‌تواند بر طبق ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی تقاضای کیفر مفتی را بخواهد، این اختیار را دارد که جبران ضرر و زیان وارده را نیز مطالبه نماید. بدیهی است که خسارات معنوی مزبور باید شرایطی مانند مسلم و قطعی بودن آن و نیز وجود رابطه علت میان فعل زیان بار و خسارت وارده را داشته باشد. به بیان دیگر خسارت مزبور به طور مستقیم ناشی از فعل زیان بار باشد (سلطانی نژاد، ۱۳۹۵: ۹۷-۹۵). سؤال دیگری که پیش می‌آید آن است که در صورتی که بر اثر تقصیر مسئولین با شگاه ورزشی در تدارک تجهیزات ایمنی مناسب برای ورزشکاران در صورتی که ورزشکار یا حتی تماشاگری مصدوم شود یا فوت نماید آیا وراثت ورزشکار مصدوم یا فوت شده می‌تواند جدا از مطالبه‌ی دیه قانونی، خسارات معنوی ناشی از مصدومیت یا فوت فرزند خود را نیز مطالبه کنند؟ در تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۶ آقای صادق کلهر نفر اول تیم ملی اسکی جوانان ایران پس از پایان تمرین به سرعت به پایین پیست، اسکی می‌کند و پس از عبور از معبر باریک سعی می‌کند مماس با انتهای قابل رؤیت کابل شمالی از کنار کابل عبور کند ولی غافل از آن که قسمتی از کابل در زیر برف پنهان است و این قسمت پنهان همان قسمتی از کابل بوده که کفش صادق به آن گیر می‌کند و شدت شوک حاصل از در تله افتادن پا و سرعت نسبتاً زیاد باعث می‌شود تمامی بدن به استثنای پا و کفش را به چندین متر جلوتر پرتاب شود. بدین ترتیب صادق کلهر نفر اول تیم اسکی جوانان ایران پای راست خود را از ناحیه‌ی زانو از دست می‌دهد. علت اصلی حادثه نامناسب و ناکافی بودن حصار محوطه و زنه توازن بوده است که در درجه اول حصار می‌بایستی با فاصله کافی از کابل نصب می‌شد. کابل می‌بایستی حداقل با دو متر فاصله در داخل محوطه محصور قرار می‌داشت علاوه بر آن حصار می‌بایستی دوبله و از جنس توری‌های ایمنی می‌بود (خلاصه‌ای از گزارش آقای محسن محسنین نماینده فنی فدراسیون بین‌المللی اسکی و رئیس کمیته تحقیقات و برنامه‌ریزی فدراسیون اسکی پیوست نامه شماره ۱۹۵-۲۴۱ مورخ ۱۳۷۶/۲/۹ فدراسیون اسکی). به بیان دیگر آیا وراثت ورزشکار فوت شده می‌تواند از بابت نقض عضو یا مرگ فرزند خود بلا صاله جبران خسارات معنوی را بخواهند؟ در فرانسه با وجود این که جبران خسارت معنوی صراحت ندارد رویه قضایی از سال ۱۸۳۳ با تفسیر موسع از ماده ۱۳۸۲ در جبران این خسارات تردیدی به خود راه نداده است. به موجب رأی ۲۲ اکتبر ۱۹۴۶ به والدینی که فرزند آن‌ها در اثر حادثه فلج شده بود حق مطالبه‌ی خسارات از عامل زیان داده شد و نیز در دعوای دیگری به مردی که زوجه‌اش در اثر حادثه ناقص یا زشت شده بود حق مطالبه‌ی خسارت معنوی ناشی از تأثر و تألم خود را داد. ضمن این که در صورتی که نزدیکان متوفی شخصاً به واسطه‌ی صدمه یا فوت متوفی متحمل خسارت

معنوی و درد و تأثر روحی کردند حق مطالبه‌ی خسارت معنوی خود را دارا می‌باشند (سلطانی نژاد، ۱۳۹۵: ۲۸۳-۲۸۲). در حقوق ایران در این رابطه نص صریحی وجود ندارد. اما برخی پس از بحث راجع به این که باید خویشان نزدیک را سزاوار مطالبه خسارات معنوی دانست، اظهار نظر کرده‌اند که: «امکان مطالبه‌ی زیان معنوی برای نزدیکان زیان‌دیده‌ی اصلی، محدود به موردی نیست که قربانی حادثه فوت کرده باشد. هیچ قاعده‌ای جبران خسارت کسانی را که از زجر و تأثر زیان‌دیده‌ی اصلی رنج برده‌اند را ممنوع و یا آن را ویژه فوت نمی‌داند. پس پدر و مادری که فرزند آنان در اثر حادثه‌ی زمین‌گیر شده با شند حق دارند زیان معنوی خود را نیز از مسئول حادثه مطالبه کنند (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ج ۱: ۱۵۶-۱۵۵).

مبانی فقهی عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران در ارتباط با هم

در این قسمت به بررسی مبانی فقهی عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران در ارتباط با یکدیگر بر پایه‌ی بند ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی پرداخته می‌شود و برای اثبات عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران در ارتباط با یکدیگر از قواعد فقهی استفاده می‌شود.

۱- اذن قانونگذار

اذن قانونی یکی از عوامل موجهه‌ی فعل زیانبار به شمار آمده است؛ یعنی هرگاه عملی موجب ضرر و زیان دیگری گردد و مقتضای مسئولیت مدنی وجود داشته باشد، اموری فعل زیانبار را توجیه کرده و انجام آن را موجب مسئولیت مدنی تلقی نمی‌کند. در توضیح نظریه فوق باید گفت: قانونگذار در بند ۱۵۸ عملیات ورزشی را با شرایطی جزء عوامل موجهه‌ی جرم قرار داده است. اما درباره‌ی توجیه مسئولیت مدنی به صراحت سخنی به میان نیاورده است. ولی از آنجا که دأب قانونگذار در قانون مجازات اسلامی بیان مختلط مسئولیت کیفری و مدنی با یکدیگر بوده است این استنباط قوت می‌گیرد که بند ۱۵۸ با اذن قانونگذار مسئولیت کیفری و مدنی را توأمان رفع می‌نماید؛ زیرا چنانچه بند ۱۵۸ مسئولیت مدنی را زایل نمی‌نمود، قانونگذار آنرا ذکر می‌کرد. فقیهان نیز به مناسبت‌های گوناگون به رابطه‌ی اذن قانونگذار و مسئولیت مدنی پرداخته‌اند و زوایای مختلف آن را کاویده‌اند. برخی از فقیهان اذن قانونی و اجازه‌ی قانونگذار با مسئولیت مدنی و ضمان منافات دارد. این دیدگاه حتی در قالب قاعده در برخی کتب قواعد فقه نیز بیان شده است.

استاد عبا سعلی عمید زنجانی در کتاب قواعد فقه بخش حقوق جزا، قاعده‌ی یکصد و هفتم را به این موضوع اختصاص داده است. امام خمینی (ره) دو قاعده کلی ارائه می‌دهد: ۱) هرچه به لحاظ شرعی در آن اذن داده شده باشد، تلف آن موجب ضمان نخواهد بود؛ ۲) هرآنچه در آن اذن وجود نداشته باشد، مسئولیت آور است. البته امام در کلیت و جامع بودن این دو قاعده اظهار تردید می‌نماید.

نظر مخالفان در این خصوص: علی‌الرغم آنچه درباره‌ی قاعده‌ی فوق از آثار فقیهان گفته شد، برخی قاعده‌ی مذکور را نپذیرفته و با آن مخالفت نموده‌اند. آنان معتقدند بسیاری از افعالی که از لحاظ شرعی جایزند، مسئولیت آفرین و ضمان آورند و اجازه‌ی شرع و قانونگذار نمی‌تواند رافع مسئولیت مدنی گردد. سید احمد خوانساری نیز اذن را به تنهایی منافی ضمان نمی‌داند. یکی از مواردی که محققان برای رد این قاعده به آن استناد کرده‌اند، قتل خطایی محض و یا شبه عمد است. در این دونوع قتل با وجود امکان حلیت نفس عمل موجب قتل، ضمان ثابت شده و قاعده‌ی "الجواز الشرعی ینافی الضمان و العقوبه" را مخدوش می‌کند. از طرف دیگر گاهی نیز نفس عمل غیر مجاز است ولی مسئولیت مدنی را همراه ندارد؛ مانند حبس حر (آزاد) که شرعاً جایز نیست ولی ضمانی هم بر آن مترتب نیست. بنابراین در برخی موارد به جای قاعده‌ی "الجواز الشرعی ینافی الضمان و العقوبه" قاعده‌ی "الجواز الشرعی لایبطل حق الغیر جاری می‌شود". از بررسی دیدگاه‌های متفاوت در خصوص قاعده فوق به این نتیجه می‌رسیم در برخی موارد اذن قانونگذار می‌تواند مسئولیت مدنی را نفی کند. در عملیات ورزشی، قانونگذار به ورزشکاران در محدوده‌ی مشخصی اذن داده است؛ یعنی قواعد بازی رعایت شده و ورزش مخالف با موازین شرعی نداشته باشد.

اذن قانونگذار در بسیاری از موارد با اتلاف و زیان ورزشکاران ملازمه دارد؛ مثلاً در ورزش کاراته و بوکس اذن قانونگذار همراه با

اتلاف و زیان است. و در صورتی که آسیبی به ورزشکار برسد، ورزشکار مقابل ضامن نخواهد بود البته با این فرض که از قواعد آن ورزش تخطی نکرده باشد. بنابراین اذن قانونگذار به ورزشی مثل کاراته و بوکس (که معمولاً همراه آسیب و زیان است) اذن به لوازم آن ورزش است. اذن قانونگذار در این صورت رافع مسئولیت مدنی و ضمان می باشد (قبادی، ۱۳۸۸، ص ۷۸).

۲- قاعده ی اقدام

طرح قاعده ی اقدام به عنوان یکی دیگر از مبانی فقهی بند ث ماده ی ۱۵۸ نیز حایز اهمیت بوده و ارزش بررسی و ارزیابی را دارد. در قاعده اقدام که قاعده ای فقهی است: هرکس به ضرر خود نسبت به مال، جان خود اقدام کند در مورد اقدام او کسی به نفع او ضمان قهری یا مسئولیت مدنی ندارد. بنابر این قاعده هرکس بار ضایع و بدون اکراه یا تهدید اقدام به عملی کند و در حین یا بعد از انجام آن مضروب شود هیچ کس ضامن نیست مگر در صورت تعدی و تفریط.

مستند قاعده ی اقدام را می توان به روایات و بنای عقلا بازگرداند. روایت: "لا یحل مال امر مسلم الا بطیب نفس" دلیل روایی قاعده ی اقدام به شمار می آید. این خبر از سماعه از بدین مضمون نقل نموده اند «کسی امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که از پیامبر اکرم که در نزد او امانتی باشد باید آن را به صاحبش برگرداند، زیرا جان و مال مسلمان حلال نمی باشد و تصرف در آن جایز نیست مگر اینکه رضایت داشته باشد. بنا بر اطلاق مفهوم و مستثنی ظاهر اینست که تمام موضوع برای جواز تصرف و حلّیت مال غیر، همان اذن، رضایت نفس است پس زمانی که رضایت مالک برای تصرف در مالش باشد، ضمان ساقط می شود. دلیل دیگر قاعده ی اقدام "بنای عقلا" است؛ زیرا فردی که بالغ و رشید باشد با علم و اراده علیه خود در امور مالی اقدام نماید و موجبات ورود زیان بر مال خود را فراهم نماید در واقع "اقدام مجانی" بر ضرر خود کرده و در چنین مواردی که خود شخص اقدام بر ورود ضرر بر مال خود بکند، احترام مال خود را ساقط نموده است. و قهراً عقلاً بما هو عقلاً هیچ گونه مسئولیتی برای شخصی که این عمل را انجام داده است، قایل نیستند. همچنین شرع نیز به مقتضای قاعده ی ملازمه (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع) مسئولیتی نمی بیند. از این رو بطور صریح قاعده ی اقدام از موارد معافیت و عدم تعلق مسئولیت مدنی محسوب می گردد (حکمت نیا، ۱۳۸۶، ص ۴۷).

استناد به قاعده ی اقدام برای رفع مسئولیت در عملیات ورزشی در صورتی موجه به نظر می رسد که محدوده ی این قاعده را توسعه دهیم و به موارد خسارات های بدنی و صدمات جسمی نیز بکشانیم. فقیهان به طور سنتی از قاعده ی اقدام برای رفع مسئولیت مالی استفاده کرده اند و آنچه در کتب فقهی آمده گویای این مطلب است. به عنوان مثال مرحوم مراغی در عناوین الفقهیه کلیه ی مثال هایی که برای جریان قاعده ی اقدام ارائه می کنند، با مسائل مالی ارتباط دارد و به خسارت ها و صدمات جسمی اشاره ای نکرده است. اما علیرغم این که در بسیاری از کتب فقهی از قاعده ی اقدام در رفع ضمان های مالی استفاده شده و این تصور را به وجود آورده است که مجرای قاعده ی اقدام امور مالی است، بررسی دقیق آثار فقهی نشان می دهد که در پاره ای مواقع از این قاعده در رفع مسئولیت مدنی در صدمات بدنی و خسارات جسمی نیز می توان استفاده کرد (علوی قزوینی و مقدادی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹).

۳- قاعده ی تحذیر

در حوزه ی مسئولیت افراد نسبت به افعال و اعمالشان فقیهان قاعده ای را با نام "تحذیر" مطرح کرده اند. مفاد این قاعده اجمالاً این است که اگر کسی در جریان انجام کاری هشدار دهد و اعلام خطر کند ولی زیان دیده به آن توجه نکند و خسارتی پدید آید، هشدار دهنده مسئولیتی در قبال خسارت به وجود آمده نخواهد داشت. قاعده ی تحذیر بر اساس اصل عقلایی سبب و مباشر است که در این مورد شخص هشدار داده شده به علت عدم توجه به اعلام خطر و اقدام به ورود در قلمرو، نسبت به پدید آمدن تلف عامل اقوی محسوب می گردد. تحذیر به طور مطلق رافع مسئولیت مدنی و کیفری نیست، بلکه باید با شرایطی همراه باشد. شرط اول شنیدن اعلان خطر توسط زیان دیده و شرط دوم هم فرصت کافی برای اقدام لازم و عکس العمل مناسب توسط زیان دیده است. شنیدن عنوانی طریقی است و موضوعیت ندارد، همچنین تحذیر امری نوعی است؛ یعنی تحذیر کننده کاری کند که نوعاً انسان متعارف از خطر آگاه شده بتواند

اقدام مناسب را انجام دهد. مستند این قاعده، حدیثی از امام صادق است. در این روایت آمده، آن حضرت روایت را از امیرالمؤمنین آورده است: کودکانی بادوستان خود در زمان حضرت علی با فلاخن بازی می کردند، پرتاب فلاخن به یکی از آنان موجب اصابت به دندان دوستش شد و یکی از دندانهای او شکست. طرفین را برای قضاوت به نزد آن حضرت آوردند و جریان امر را مطرح ساختند، خسارت زننده در مقام دفاع از خویش در خصوص اثبات اینکه قبل از اقدام "حذار" گفته مبادرت به اقامه‌ی بینه نمود. آن حضرت چنین حکم صادر فرمود: "قصاص بر او نیست" و آنگاه حکم خویش را چنین مستند نمود: "کسی که هشدار داده، معذور است (هاشمی نوربخش، ۱۳۸۴، ص ۳۹)

باتوجه به آنچه گفته شد، قاعده‌ی تحذیر می تواند یکی از پشتوانه های فقهی بند ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی برای رفع مسئولیت مدنی از ورزشکار باشد؛ زیرا ورزشکاران از خطر ورود به مسابقات ورزشی همواره تحذیر می شوند و از آنجایی که معیار در تحذیر نوعی است، ورزشکاران از راه های گوناگونی از خطر ها و صدمه های ناشی از مسابقات ورزشی آگاه می شوند و برحذر داشته می شوند. این تحذیر ممکن است به طور شفاهی یا کتبی یا به واسطه ی حضور ورزشکار در اجتماع تحصیل شود. برگزارکنندگان مسابقات ورزشی به طور شفاهی و کتبی می توانند ورزشکاران را از خسارت ها و صدمه های احتمالی ناشی از مسابقات ورزشی تحذیر کنند و به آنان هشدار دهند. همچنین ورزشکاران بعنوان عضوی از جامعه آنان را از مخاطراتی که در بازی های ورزشی وجود دارد، آگاه می سازد و به طور غیر مستقیم برحذر می دارد. ورزشکاران نیز همیشه فرصت کافی برای اقدام و نشان دادن واکنش دارند. آنان می توانند بعد از دریافت تحذیر و هشدار از بازی ورزشی کناره گیری کنند. اما چنانچه به هشدار توجه نکردند و حضور در مسابقه را انتخاب کردند در برابر صدمه ها و خسارتهای جسمی ضمانت و مسئولیتی در کار نخواهد بود؛ زیرا قبلاً به آنان نسبت به خسارتها و صدمه های احتمالی هشدار لازم داده شده است.

۴- نتیجه گیری

در این مقاله، نگارنده به این نتیجه دست یافت که باشگاه ها و مؤسسات ورزشی اگرچه از نظر نوع تشکیل محدودیتی ندارند اما می بایستی از نظر ضوابط داخلی تابع قانون تجارت باشند و نیز در اداره ثبت شرکت ها به ثبت رسیده باشند. در انگلستان نیز باشگاه ها در زمره شرکت های «محدوده عمومی» (غیرتضامنی عمومی) محسوب می شوند. البته با مطالعه در برخی از متون حقوقی انگلستان به نوعی از باشگاه های ورزشی برمی خوریم که نه تنها شرکت تجاری نیستند بلکه شخصیت حقوقی نیز ندارند و به اصطلاح خاص «شرکت مدنی» نامیده می شوند. میان ورزشکاران و مربیان باشگاه ها و مؤسسات ورزشی رابطه کارگری و کارفرمایی و تابع قانون کار می باشد. البته در برخی موارد در صورت تصریح در آیین نامه ها و بخشنامه های خاص مسئولیت باشگاه ها و مؤسسات ورزشی تحت شمول این قوانین خاص می باشد بنابراین مسئولیت مؤسسات ورزشی در قبال خسارات حاصله از فعالیت های آنها تابع ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی و از نوع مسئولیت نیابتی می باشد. در حقوق انگلستان نیز چنین رابطه ای حاکم می باشد. همچنین مبنای مسئولیت مدنی باشگاه ها و مؤسسات ورزشی مربوطه در ایران و نظام های حقوقی اروپا فرض تقصیر می باشد. در ادامه نیز مشخص شد که باشگاه ها و مؤسسات ورزشی در صورت ورود خسارت از ناحیه ورزشکاران و مربیان خود به بازیکنان و مربیان باشگاه حریف، مسئولیت نیابتی دارند مگر آنکه بی تقصیری خود را اثبات کنند. علاوه بر آن مشخص شد که باشگاه ها و مؤسسات ورزشی در قبال ورزشکاران و مربیان و حتی تماشاگران حقوق و تکالیفی را برعهده دارند که مهم ترین آنها تعهد به ایمنی اماکن و تجهیزات ورزشی امکان مربوطه می باشد که عدم رعایت این تکالیف موجب ضمان باشگاه های مربوطه می گردد. بازیکنان و مربیان و سایر کارکنان اجرائی باشگاه های ورزشی نیز ملزم به رعایت مقررات باشگاه ها و رقابت های ورزشی می باشند که در صورت عدم رعایت این مقررات ممکن است موجب مسئولیت مدنی یا انتظامی ورزشکاران مزبور گردد. همچنین اینکه خسارات وارده بر باشگاه ها و مؤسسات ورزشی ممکن است مادی یا معنوی باشد که در هر دو صورت عامل زیان که ممکن است ورزشکاران و مربیان مربوطه باشند حسب مورد مسئول جبران خسارات وارده بر زیان دیده قلمداد گردند. ورزشکاران و نیز تماشاگران ممکن است بنابر قاعده Volenti fit injuria

خودشان را در موقعیت خطرناک که همان رویدادهای ورزشی می باشند قرار داده باشند. اصولاً ورزشکاران پذیرای خطرهای عادی و طبیعی و تبعی همان ورزش را که قابل پیش بینی و روشن باشد را قبول می کنند ولی خطر صدمات حاصله از اعمال ضمان آور هم بازی های خود و عدم رعایت تعهدات ایمنی توسط باشگاه ها و مؤسسات ورزشی را هرگز مورد پذیرش قرار نخواهند داد. در حقوق کشورهای دیگر نیز به رعایت تعهد ایمنی با شگاه ها و کلوب های ورزشی توجه وافری شده است به طوری که به موجب پرونده های مختلفی و نیز به موجب آرای قضایی متعدد، مالکان باشگاه ها و مؤسسات ورزشی مسئول جبران خسارات وارده بر ورزشکاران و تماشاگران به دلیل نامناسب بودن آن مجموعه ورزشی برابر آن فعالیت ورزشی واقع گردیده اند. همان طور که به موجب برخی آرای قضایی فرانسه حکم شده است باشگاه ها و مؤسسات ورزشی نسبت به صدمات وارده بر ورزشکاران و مربیان در جریان تمرین نیز مسئول می باشند. در فرانسه مستند قانونی مسئولیت نیابتی باشگاه ها و مؤسسات ورزشی ماده ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ قانون مدنی می باشد. در خصوص جبران خسارات وارده از ناحیه کارکنان باشگاه ها و مؤسسات ورزشی از قبیل ورزشکاران تحت استخدام آن باشگاه نسبت به ورزشکاران حریف، باشگاه ها مسئول می باشند و برای رفع مسئولیت همان طور که در حقوق انگلستان و سایر انگلستان آمده شرایطی لازم است: الف) تقصیر عمدی کارکنان باشگاه ها (شامل ورزشکار و یا مربی)، ب) حادثه در حین ورزش و یا به مناسبت آن نباشد و ج) تقصیر بر اثر فورس مازور و یا دخالت اشخاص ثالث باشد.

در ادامه نیز مشخص شد که باشگاه ها و مؤسسات ورزشی نسبت به تماشاگران نیز تکالیفی برعهده دارند که عدم رعایت این تکالیف موجب ضمان باشگاه ها و مؤسسات ورزشی می گردد. در حقوق ایران نیز براساس مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی جبران خسارات وارده بر تماشاگران قابل توجیه قانونی می باشد. در حقوق خارجی نیز همان طور که در برخی آراء دیوان عالی فرانسه آمده حتی روزنامه نگاران نیز تماشاگر تلقی گردیده اند. (رأی شعبه اول مدنی دیوان عالی ۲۱ ژانویه ۱۹۸۱). به هر صورت مسئولیت باشگاه ها نسبت به تماشاگران ماهیتی قراردادی دارد که در صورت تحقق سایر شرایط موجب مسئولیت باشگاه ها و مؤسسات ورزشی می گردد. مگر در فرضی که تماشاگر به رایگان وارد آن مجموعه ورزشی شده باشد که در این صورت مسئولیت در نوع ضمان قهری می باشد. در نهایت اینکه بیمه ورزشی از جمله مباحث مهمی است که باشگاه ها و مؤسسات ورزشی موظف به انعقاد آن با شرکت های بیمه می باشند و در این راستا جبران خسارات وارده بر ورزشکاران و مربیان و تماشاگران به سهولت قابلیت جبران پیدا می کند.

در پایان با توجه به این که در زمینه حقوق ورزشی، قوانین و مقررات مدونی وجود ندارد و نظر به اهمیت این شاخه از حقوق پیشنهاد می شود که با ارائه یک درس به عنوان حقوق ورزشی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی، این رشته با جدّیتی بیشتری مورد توجه قرار گیرد. یا در حوزه اجرایی با تدوین قانون خاص در این زمینه مشکلات اجرایی و عملی آن را از بین برده و یا کاهش دهیم و یا در حوزه قضایی با تأسیس دادگاه های خاص در زمینه حقوق ورزشی و استفاده از قضات ویژه به مانند آنچه که در مورد دادگاه مطبوعات یا روحانیون وجود دارد از ارجاع این دعاوی به دادگاه های ورزشی بین المللی (CAS) جلوگیری نماییم. همچنین توصیه می شود مقوله بیمه حوادث ورزشی توسط باشگاه ها و مؤسسات ورزشی به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد تا جبران خسارات وارده به سهولت انجام گیرد. در نهایت پیشنهاد می شود که کمیته استیناف در برخی فدراسیون های ورزشی وجود دارد که اعضای آن به ندرت از قضات دادگستری می باشند که این امر می تواند به ضرر منافع ورزشکاران و مربیان و یا حتی به ضرر منافع عمومی منجر گردد بنابراین توصیه می شود که اعضای این کمیته ها بایستی از میان قضات دادگستری و به ویژه حقوقدانان ورزشی انتخاب و منصوب گردند.

منابع

منابع فارسی

ابوهلال عسکری، حسن، (۱۹۷۵)، الاوائل، به کوشش محمد مصری و ولید قصاب، دمشق
 ادرم، مجتبی، (۱۳۸۹)، بررسی و مقایسه میزان آگاهی مربیان چهار رشته منتخب ورزشی شهر اهواز با جنبه های حقوقی و قانونی ورزش، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز

- ارجمند، آیت، (۱۴۰۰)، اصول و مبانی مربیگری پرورش اندام، تهران، انتشارات افق سها، چاپ اول
- آمدی، عبد الواحد، (۱۳۸۳)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه و شرح آقا جمال خوانساری، قم، انتشارات دارالحدیث
- بادینی، حسن، (۱۴۰۰)، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات سهامی انتشار، چاپ چهارم
- باقری، مصطفی، ادیبی مهر، محمد، بهنیافر، احمد رضا، (۱۳۹۷)، مسئولیت انگاری ناشی از عملیات ورزشی از منظر حقوق مدنی و فقه امامیه. فقه و تاریخ تمدن، ۴(۲): ۹۶-۱۱۷.
- پدفیلد، سی: اف، (۱۳۷۷)، حقوق انگلیس به زبان ساده، ترجمه‌ی: صفر بیگ‌زاده، تهران: نشر حقوقدان، جلد اول
- تقوی دامغانی، سیدرضا، (۱۳۸۳)، چهل حدیث در ورزش، تهران، انتشارات هماهنگ، چاپ اول
- جامپون جونور، والتر تی. (۱۳۸۳)، مبانی حقوقی ورزش‌ها، مسئولیت مدنی در ورزش، ترجمه حسین آقایی‌نیا، تهران، نشر دادگستر، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
- جلیل‌وند، یحیی، (۱۳۸۳)، مسئولیت مدنی قضاات و دولت، چاپ اول، نشر یلدا، تهران.
- حکمت نیا، محمود، (۱۳۸۶)، مسئولیت مدنی در فقه امامیه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- حلی، جعفر بن حسن (۱۳۷۷). شرائع الاسلام فی مسائل حلال و حرام، جلدهای ۱ و ۴، المکتبه دارالهدی، قم، گذرخان.
- خدابخشی، مهرداد، (۱۳۹۰)، ورزش در تاریخ ایران، تهران، ناشران دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، چاپ اول
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره‌ی جدید، کلمه مسئولیت.
- رابینسون، متیوج، (۱۳۹۲)، مدیریت باشگاه ورزشی، مترجم، مهدی طالب‌پور، تهران، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول
- سلطانی‌نژاد، هدایت‌اله، (۱۳۹۵)، خسارت معنوی، تهران، انتشارات نورالثقلین، چاپ دوم
- شعبانی مقدم، کیوان، (۱۳۹۳)، مبانی حقوق ورزشی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول
- شهابی خراسانی، محمود، (۱۳۹۰)، قواعد فقه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم
- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله، (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، انتشارات سمت، چاپ دوم
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ه.ق). المیسوط فی فقه امامیه، جلد ۷، المکتبه المرتضویه، لایه آثار الجعفریه، تهران.
- علوی قزوینی، سید علی و مقدادی، محمد مهدی، (۱۳۹۰)، مبانی فقهی و حقوقی عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران در عملیات ورزشی، مجله علمی پژوهشی نامه مفید، شماره ۸۵
- قاسم‌زاده، مرتضی، (۱۳۸۵)، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم
- قبادی، حمداله، (۱۳۸۸)، مبانی فقهی حقوقی ورزش و مسابقات ورزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات دانشگاه پیام نور تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۳(۰): ۳۷-۵۸
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۹)، حقوق مدنی ضمان قهری مسئولیت مدنی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم
- کاتوزیان، ناصر، (۱۴۰۱) وقایع حقوقی مسئولیت مدنی، تهران: نشر گنج دانش، چاپ نهم
- کاتوزیان، ناصر، (۱۴۰۱)، الزام‌های خارج از قرارداد مسوولیت مدنی، جلد اول، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول
- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۵)، قواعد فقه (مالکیت - مسئولیت)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، جلد اول، بخش مدنی
- مغنیه، محمد جواد، (۱۹۷۷)، فقه الامام الصادق، دار العلم للملایین، بیروت، جلد چهارم
- منتظری نجف آبادی، حسن، (۱۳۹۰)، حقوق ورزشی و مسئولیت مدنی ورزشکاران، کار تحقیقی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران،

پایگاه نشر مقالات حقوقی حق گستر.

نجفی، محمد حسن (۱۴۱۳ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد های: ۹، ۸، ۲۸، ۱۰، ۱۵، مؤسسه: المرتضی العالمیه، چاپ اول، بیروت - لبنان.

نعمت اللهی، اسماعیل (۱۳۹۵)، اصالت ضمان قهری و تقدم آن بر مسئولیت قرارداد در فقه امامیه، حقوق اسلامی هارلو، کارول، (۱۳۸۳)، حقوق شبه جرم، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول
 هاشمی نوربخش، حسن، (۱۳۸۴)، ورزش از دیدگاه اسلام، قم، انتشارات سبب النبی،
 الهی، علیرضا، (۱۳۸۳)، بررسی عملکرد سازمان لیگ حرفه ای فوتبال ایران و مقایسه آن با سازمان لیگ ژاپن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی تهران: دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران

منابع انگلیسی

- Black, Henry Campbell, (1989), Black Law Dictionary, West Publishing
- Blackshaw, I. S., & Blackshaw, I. S. (2012). Sports TV Rights Agreements. Sports Marketing Agreements: Legal, Fiscal and Practical Aspects, 285-312.
- Breitbarth, T., Walzel, S., & van Eekeren, F. (2019). 'European-ness' in social responsibility and sport management research: anchors and avenues. European Sport Management Quarterly, 19(1), 1-14.
- Ewen, N. (2013). John Terry and the predicament of Englishness: Ambivalence and nostalgia in the Premier League era. Sport in history, 33(4), 465-487.
- Garcia-Garcia, B., James, M., Koller, D., Lindholm, J., Mavromati, D., Parrish, R., & Rodenberg, R. (2020). The impact of Covid-19 on sports: a mid-way assessment. The International Sports Law Journal, 20, 115-119.
- Hamil, S., Walters, G., & Watson, L. (2013). The model of governance at FC Barcelona: balancing member democracy, commercial strategy, corporate social responsibility and sporting performance. In Who Owns Football? (pp. 143-172). Routledge.
- Harpwood, Vivienne, (2009), Modern-Tort Law, 7th edition, London, Carvendish, Publishing Limited
- Lewis, D. B., Irby, D., Galipault, W., & Rasmussen, W. (2023). Sports Ministry. Human Kinetics.
- Madhushani, A. A. L., & Perara, B. L. H. (2023). Socially Responsible Sports Consumption Through Good Governance: A Case Study of Sports Federations in Sri Lanka. In Dealing with Socially Responsible Consumers: Studies in Marketing (pp. 357-387). Singapore: Springer Nature Singapore.
- Mountjoy, M. L., & Verhagen, E. (2022). BeTheChange': the responsibility of sports medicine in protecting athletes from harassment and abuse in sport. BMJ Open Sport & Exercise Medicine, 8(1), e001303.
- Parrish, R. (2003). Sports law and policy in the European Union. Manchester University Press.
- Treitel, G.H, (1995), The Law of Contract, Ninth edition, Sweet Maxwell
- Valeri, M. (2019). Corporate social responsibility and reporting in sports organizations. Switzerland: Springer International Publishing.
- Van Kleef, R. H. C. (2016). Liability of football clubs for supporters' misconduct. A study into the

interaction between disciplinary regulations of sports organisations and civil law. Leiden University.

